

نقش قرض‌الحسنه در حمایت از کسب‌وکارهای نوپا و تقویت توسعه پایدار: بررسی تجربی ۲۵ کشور

سعید محمدبیگی*

سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان ۱۴۰۳ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶

چکیده

کسب‌وکارها؛ به‌ویژه اگر بخواهند در تأمین سرمایه خود به اصول اخلاقی و منطبق با شریعت نیز پایبند باشند، با چالش‌های مالی متعددی مواجه هستند. در این ارتباط، پژوهش حاضر به بررسی روش‌ها و فرصت‌های استفاده از وجوه قرض‌الحسنه به‌عنوان یک ابزار استراتژیک برای حمایت از کسب‌وکارها و توسعه پایدار در شرکت‌های نوپا و در مراحل اولیه رشد و در نهایت سایر افراد نیازمند به این وجوه می‌پردازد. این مطالعه با استفاده از مفهوم قرض‌الحسنه که تأکید بر همبستگی اجتماعی و عدالت اقتصادی در اسلام دارد، برای افزایش انعطاف‌پذیری کارآفرینی و شیوه‌های تجاری پایدار در میان کسب‌وکارهای نوپا چارچوبی مفهومی پیشنهاد می‌کند. نمونه نهایی پژوهش، شامل بیست‌وپنج کشور است که سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲ را پوشش می‌دهد. باین‌حال، داده‌های برخی کشورها برای تمام سال‌های انتخاب‌شده در دسترس نبوده و بنابراین پژوهش از یک داده پانلی نامتوازن با ۲۲۶ مشاهده ساخته شده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کشورهای تأمین‌کننده وجوه قرض‌الحسنه نسبت به کشورهای دیگر دارای سطح بالاتری از رشد اقتصادی هستند؛ به‌علاوه، وجوه قرض‌الحسنه توانسته بر اصلی‌ترین شاخص‌های توسعه پایدار شامل: نسبت خط فقر، اتمام تحصیلات متوسطه، تنوع جنسیتی و استفاده از اینترنت، تأثیرات مثبتی داشته باشد که نشان از پتانسیل بالای قرض‌الحسنه در تقویت توسعه پایدار دارد.

واژه‌های کلیدی: قرض‌الحسنه، توسعه پایدار، بانکداری، کشورهای منطقه منا، مالیه اسلامی

طبقه‌بندی JEL: G21, O10, L26, Q56

توسعه پایدار کاهش قابل اندازه‌گیری انرژی را تضمین می‌کند و راه‌حل‌های کارآفرینانی را تشویق می‌کند که می‌توانند تأثیرات محیطی را برای نسل آینده کاهش دهند (جاو^۱، ۱۹۹۲). پایداری، پدیده‌ای پیچیده است و معانی آن در کشورها و فرهنگ‌های مختلف متفاوت است (قزلباش^۲، ۲۰۰۱). در دستور کار سازمان ملل متحد تأکید زیادی بر توسعه راه‌حل‌های رشدمحور دارد که می‌تواند پایداری کشورهای در حال توسعه را با مشکلات مختلف خدمات بدهی تضمین کرده و مؤسسات مالی را تشویق به ابداع اشکال جدید پرداخت‌ها کند. چنین تأکیدی بر نقش توسعه پایدار، در صنعت مالی اسلامی توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است (ویلانوا^۳، ۱۹۹۷). به‌گفته ردکلیفت^۴ (۲۰۰۲؛ ۱۹۹۳)، بازارهای مالی اسلامی با توجه به نیاز به طیف گسترده‌تری از ابزارهای سیاستی، فرصت بهتری برای اعمال سیاست‌های سازگار با محیط زیست دارند. برک و کانروی^۵ (۲۰۰۰) یافته‌های صدیقی^۶ (۲۰۰۴) را تأیید کرده و معتقدند که مؤسسات مالی اسلامی نقش خود را برای تحقق اهداف اجتماعی بهبود بخشیده‌اند.

قرض الحسنه یک قرارداد شرعی است که در جریان اصلی امور مالی اسلامی در برخی حوزه‌های مرتبط با سیاست‌گذاری اقتصادی نادیده گرفته شده است. قرض الحسنه به‌عنوان تسهیلات مالی بدون بهره‌ای است که به‌دلیل نرخ بازده اسمی تعیین شده صفر، محبوبیت پیدا کرده است (عبیدالله و لطیف^۷، ۲۰۱۱). قرآن کریم در مورد قرض الحسنه که به‌عنوان شکلی از مالیه اسلامی تلقی می‌شود، اشارات روشنی ارائه کرده است: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَعِّفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (بقره/۲۴۵) «إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَعِّفَ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (حدید/۱۸) «إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَعِّفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ» (تغابن/۱۷). تأمین مالی مبتنی بر

-
1. Gow
 2. Qizilbash
 3. Villanueva
 4. Redclift
 5. Berke & Conroy
 6. Siddiqi
 7. Obaidullah & Latiff

قرض الحسنه منحصر به فرد است؛ چراکه به وام گیرنده اجازه می دهد اصل سرمایه را پس از سررسید بازپرداخت کند؛ در واقع تاریخ سررسید در زمان اعطای وام تعیین می شود و اغلب در قرارداد قرض الحسنه قید شده است. در مواردی که سررسید ذکر نشده باشد، وام دهنده می تواند از وام گیرنده بخواهد وام را در هر زمانی بازپرداخت کند. به این ترتیب، قرض الحسنه نقدینگی را در اختیار طلبکار قرار می دهد و در صورت تأخیر در بازپرداخت، بستانکار مجاز به اخذ جریمه خواهد بود. چنین مقرراتی می تواند قرض الحسنه را به شیوه ای امن برای تأمین مالی تبدیل کند. با این حال، از نظر محبوبیت، قرض الحسنه در مقایسه با سایر منابع تأمین مالی اسلامی مانند مرابحه مورد توجه قرار نگرفته است (عبیدالله و لطیف، ۲۰۱۱).

قرض الحسنه برای توزیع دوباره ثروت، مکانیسم های منطبق با شریعت را فعال و فراهم می کند. تأمین مالی مبتنی بر قرض الحسنه در سال های اخیر، به دلیل ساختار منحصر به فرد تأمین مالی قرض الحسنه و توانایی آن در ارائه منافع به جامعه گسترده تر، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. به عنوان نمونه، تعاونی جامعه مسلمانان استرالیا (MCCA) Ltd، شرکت هایی را که بتوانند در زمینه تأمین مالی خانه برای افراد کم بضاعت فراهم کنند، ایجاد کرده است و در نتیجه توانسته و جوه قرض الحسنه را برای کمک به بخش فقیر جامعه فراهم کند. این شرکت ها بر مکانیسم هدیه متمرکز هستند که در آن، وجوه اهدایی به سازمان، از طریق قرارداد قرض الحسنه بین نیازمندان توزیع می شود. در این راستا، مؤسسات مالی اسلامی (IFIs) نیز این ابزار تأمین مالی را به رسمیت شناخته و شروع به استفاده از آن برای ترویج رشد اقتصادی پایدار کرده اند. این مؤسسات مالی می توانند به عنوان یک واسطه عمل کنند و وجوه جمع آوری شده از سپرده گذاران را از طریق قراردادهای قرض الحسنه به سمت ذی نفعان هدایت کنند. عبیدالله و لطیف (۲۰۱۱) استفاده های جدیدی از صندوق قرض الحسنه را ذکر کرده اند که شامل بازپرداخت وام برای مددجوی نیازمند، پرداخت اقلام منزل برای زوج های تازه ازدواج کرده و پرداخت هزینه تحصیل در بین دانش آموزان نیازمند است.

کشورهای مسلمان، به جز کشورهای خاورمیانه، در مقایسه با سایر کشورهای جهان، از نرخ فقر بالایی برخوردارند (عبیدالله و خان، ۲۰۰۸). جدول شماره ۸

نشان می‌دهد که کشورهای خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی شروع به ادغام سیاست‌های مبتنی بر قرض‌الحسنه در سیاست پولی خود کرده‌اند. در چنین تحولی کشور بنگلادش پیشتاز است (تقریباً ۳۵۲ میلیون دلار)؛ پس از آن، اردن (تقریباً ۴۱ میلیون دلار) و ایران (تقریباً ۲۲ میلیون دلار) قرار دارند؛ باین‌حال، چنین مشارکتی از طریق قرض‌الحسنه به‌ترتیب تنها ۱/۷۴، ۰/۶۳ و ۸/۲۵ درصد از کل تأمین مالی مطابق با اسلام برای بنگلادش، اردن و ایران را پوشش می‌دهد. قزاقستان در تحول اقتصادی اسلامی با ۱۲/۵ درصد از منابع مالی اسلامی تحت پوشش قرض‌الحسنه پیشتاز است. جدول شماره ۸ همچنین نشان می‌دهد که قرض‌الحسنه در کشورهای خاورمیانه محبوبیت چندانی نداشته است.

درحالی‌که مطالعات گذشته اهمیت سیاست پولی مبتنی بر اصول تقسیم سود و زیان (PLS) را منعکس کرده است (کالسورپ^۱، ۱۹۹۱)، شواهد اندکی برای جایگزینی سیاست پولی مرسوم مبتنی بر بهره فعلی ارائه شده است (تایر^۲، ۱۹۹۴). استدلال‌های نظری در مورد دوام یک سیاست پولی بدون بهره وجود دارد (ستیمن و جکسون^۳، ۲۰۰۰). باین‌حال، این استدلال‌های نظری هرگز از نظر تجربی توجیه نشده‌اند. سلیم و حسن^۴ (۲۰۱۹) با یافته‌های خود سهم قابل توجهی در ادبیات مالی اسلامی داشته‌اند. باین‌حال، این مقاله در درجه اول بر مقایسه تورم و نرخ بیکاری بین کشورهایی با نرخ بهره مثبت و صفر یا منفی متمرکز است. در چنین شرایطی، مطالعه حاضر با ارائه شواهدی تجربی و با استفاده از نمونه کشورهای منطقه منا، کمکی بدیع در زمینه کاربرد سیاست‌های مبتنی بر قرض‌الحسنه در جهت توسعه پایدار دارد.

هدف مقاله، ارائه شواهدی تجربی مبنی بر این‌که قرض‌الحسنه می‌تواند توسعه پایدار را در کشورهای مسلمان و همچنین در بخش‌های مختلف جهان تقویت کند، است. در این ارتباط، این مقاله به پنج بخش تقسیم می‌شود. در ابتدا یک بررسی انتقادی از مطالعات گذشته ارائه شده است که نقش تأمین مالی اسلامی در توسعه پایدار را پوشش می‌دهد. در این زمینه، سعی شده شواهد ادبی‌ای را که در مورد امور

-
1. Calthorpe
 2. Thayer
 3. Stymne & Jackson
 4. Selim & Hassan

مالی قرض الحسنه وجود دارد برای بررسی شکاف پژوهشی در این زمینه، مورد بررسی قرار گیرد. بخش سوم مقاله بر مسائل روش‌شناختی تمرکز دارد و در این بخش، مدل‌های تجربی به‌همراه تعاریف عملیاتی آن‌ها مورد بحث قرار می‌گیرند. در بخش چهارم، نتایج ارائه شده است و یافته‌های مربوط به پژوهش‌های گذشته مورد بحث قرار گرفته است. در نهایت، مطالعه حاضر با نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی به پایان رسیده است.

۱. مبانی نظری

وجوه قرض الحسنه می‌تواند در بهبود ثبات بخش مالی در اقتصاد نقش داشته باشد. تخمین زده شده است که ۱۵ تریلیون دلار خسارت ناشی از بحران مالی جهانی (GFC) آسیب‌پذیری بخش مالی و پتانسیل کاهش تولید و رفاه را نشان می‌دهد (گودلند^۱، ۱۹۹۵). اگرچه عوامل مختلفی در این بحران نقش داشته‌اند؛ اما یکی از دلایل اصلی این پدیده را باید در بدهی‌های بیش از حد شرکت‌ها و نهادهای مالی جستجو کرد (اسپث^۲، ۲۰۰۳، گاتمن^۳، ۲۰۰۳؛ شونر^۴، ۲۰۰۲). در این ارتباط، در مقالات به شواهدی اشاره شده مبنی بر این که سطوح بالای بدهی عموماً با رشد کمتر مرتبط است. کاستانزا و همکاران^۵ (۱۹۹۷) استدلال می‌کنند وقتی اعتبار بخش خصوصی کمتر از ۱۰۰ درصد تولید ناخالص داخلی باشد، بخش مالی رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد؛ اما زمانی که اعتبار فراتر از این سطح گسترش می‌یابد، رشد را کاهش می‌دهد. به‌طور مشابه، بلویت^۶ (۱۹۹۳) معتقد است که سطوح بدهی شرکت‌ها بیش از ۹۰ درصد تولید ناخالص داخلی و بدهی خانوارها بیش از ۸۵ درصد تولید ناخالص داخلی، تمایل به کاهش رشد اقتصادی داشته است؛ بنابراین، ثبات بخش مالی از این قابلیت برخوردار است تا با افزایش نسبت شیوه‌های حقوق صاحبان مالی نسبت به بدهی، افزایش یابد (مولباخ^۷، ۲۰۰۱؛ سولو^۱، ۲۰۱۴).

1. Goodland
2. Speth
3. Gutman
4. Schnoor
5. Costanza et al.
6. Blewett
7. Muehlebach

استفاده گسترده از ابزارهایی مانند اوراق بهادار با پشتوانه وام مسکن (MBS)، تعهدات بدهی وثیقه (CDO) و معاوضه‌های نکول اعتباری (CDS) نیز به این بحران کمک کرده است. ارزش کلی قراردادهای مشتقه خارج از بورس (OTC) در این کشورهای دارای بحران تا پایان سال ۲۰۰۷ به ۵۹۶ تریلیون دلار رسیده که CDS در نیمه دوم سال، ۳۶ درصد افزایش یافته و به ۵۸ تریلیون دلار رسیده است؛ درحالی که برخی از این ابزارها برای اهداف مصون‌سازی استفاده می‌شوند، این واقعیت که مقادیر واقعی قراردادهای مشتقه بیش از ۱۰ برابر اندازه تولید ناخالص داخلی جهانی (۵۴/۳ تریلیون دلار) بوده، نشان می‌دهد که بیشتر آن‌ها برای سفته‌بازی استفاده شده‌اند. برخی از مشتقات پیوندی با هیچ معامله یا دارایی واقعی‌ای تطابق ندارند و خطراتی را برای رشد باثبات اقتصادی ایجاد می‌کنند که درک آن پیچیده و دشوار است (مولدان و همکاران^۱، ۱۹۹۷). علاوه بر این، انواع خاصی از اوراق مشتقه، مانند قراردادهای آتی و اختیار معامله، می‌توانند خطرات زیان‌دهی‌ای را ایجاد کنند که فراتر از سرمایه‌گذاری اصلی است. این ویژگی‌ها می‌توانند بخش مالی را در برابر شوک‌های منفی ناشی از بی‌ثباتی آسیب‌پذیر کنند.

اتکای بیشتر به اصول زیربنایی وجوه قرض‌الحسنه می‌تواند ثبات بخش مالی را بهبود بخشد. اصول به‌اشتراک‌گذاری ریسک و پیوند مالی به اقتصاد واقعی، میزان بدهی ایجادشده را محدود می‌کند. علاوه بر این، ممنوعیت استفاده از ابزارهای مشتقه برای سفته‌بازی، یک سیستم مالی نسبتاً انعطاف‌پذیر و باثبات ایجاد می‌کند. این امر توسط برخی از مطالعات که به مقایسه عملکرد بخش بانکداری اسلامی با همتای متعارف آن پرداخته‌اند نیز تأیید شده است. حسن و همکاران^۲ (۲۰۲۱) نشان می‌دهند که بانک‌های اسلامی طی سال‌های پس از بحران، انعطاف‌پذیرتر بوده و نسبت به بانک‌های اقتصاد متعارف، رشد اعتبار و دارایی بالاتری داشته‌اند؛ در نتیجه، بانک‌های اسلامی در دوران پس از بحران توسط مؤسسات رتبه‌بندی، مطلوب‌تر ارزیابی شده‌اند. در این ارتباط، آلن^۳ (۲۰۰۱) معتقد است که بانک‌های اسلامی در

-
1. Solow
 2. Moldan et al.
 3. Hassan et al.
 4. Allen

دوره قبل از بحران (۲۰۰۷-۱۹۹۵)، نسبت به بانک‌های معمولی، دارای سرمایه و ذخایر نقدینگی بالاتری بوده‌اند که نشان‌دهنده ثبات بیشتر آن‌هاست.

اگرچه شواهد نشان می‌دهد که بخش بانکداری و وجوه قرض‌الحسنه نسبت به بانک‌های معمولی باثبات‌تر بوده است؛ اما نگرانی‌هایی نیز وجود دارد که بخش مالیة اسلامی از نزدیک شبیه هم‌تای متعارف خود است و به‌طور بالقوه می‌تواند مشکلات مشابهی داشته باشد. به‌طور خاص، به‌نظر می‌رسد مؤسسات مالی اسلامی به‌طور عمده از قراردادهای مبتنی بر بدهی استفاده می‌کنند؛ درحالی‌که استفاده از روش‌های مبتنی بر سهام، حداقل است (هیکس و همکاران^۱، ۲۰۰۸؛ دیویس^۲، ۱۹۹۲). علاوه بر این، برخی از مؤسسات مالی اسلامی از محصولات استفاده می‌کنند که شبیه مشتقاتی هستند که تا حدی عامل تشدید بحران‌ها می‌شود (حسن^۳، ۲۰۰۶). برای مثال، ویژگی‌های صکوک قابل معامله که از طریق اوراق بهادار دارایی‌ها ایجاد می‌شود، ویژگی‌هایی مشابه ویژگی‌های CDO و MBS دارد. به‌طور مشابه، محصولات مشابه CDS به‌شکل مبادله بازگشتی وجود دارد که از طریق آن می‌توان بازده دارایی مطابق با شریعت را با بازده هر نوع دارایی، حتی آن‌هایی که شرعاً مجاز نیستند، مبادله کرد.

مدت‌هاست که رویه اعطای وام‌های بدون بهره به اقتصادهای نوظهور یا کشورهای کم‌درآمد توسط اقتصادهای توسعه‌یافته و مؤسسات مالی بین‌المللی (IFI) در جهت تقویت تلاش‌های آن‌ها در زمینه توسعه فراگیر و پایدار، رواج داشته است. صندوق بین‌المللی پول برای تثبیت اقتصاد و اصلاح عدم تعادل در تراز پرداخت‌ها و بازگرداندن رشد اقتصادی پایدار، وام‌هایی را با نرخ‌های بهره امتیازی و بدون امتیاز به کشورهای عضو می‌دهد. همچنین، در طول همه‌گیری کووید-۱۹، صندوق بین‌المللی پول وام‌های اضطراری را با نرخ بهره صفر درصد به‌عنوان بخشی از تلاش‌های خود برای کمک به کشورها، برای مقابله با پیامدهای اقتصادی این همه‌گیری ارائه کرده است (کمالی^۴، ۲۰۱۶).

-
1. Hicks et al.
 2. Davies
 3. Hasan
 4. Kamali

۲. مرور ادبیات و توسعه فروض

تأمین مالی مبتنی بر وجوه قرض الحسنه به نیازمندی اختصاص دارد که بدون پرداخت سود، سررسید معینی در اختیار آنان قرار می‌گیرد. از لحاظ نظری، وام‌های مبتنی بر قرض به‌عنوان ربوی تلقی شده و ممنوعیت ربا یا بهره، شامل آن‌ها می‌شود؛ بنابراین، معرفی قرض از سوی شرع برای حذف عنصر سود از معامله مالی است. در عمل قرض الحسنه توسط مؤسسات مالی بین‌المللی به‌عنوان وامی خیرخواهانه معرفی می‌شود که به قشر فقیر جامعه ارائه می‌شود. احمدی^۱ (۲۰۱۶) در پژوهش خود موضوعات کلیدی‌ای را در این ارتباط مورد تأکید قرار داده است:

- وام قرض الحسنه به وام‌گیرنده این امکان را می‌دهد که پس از سررسید، اصل وام را بازپرداخت کند. با این حال، مؤسسات مالی مجازند برای پرداخت هزینه‌های اداری برای رسیدگی به وام قرض الحسنه، کارمزد خدمات دریافت کنند. هزینه نیز باید جدا از مبلغ وام باشد و فقط هزینه مدیریت را نشان دهد. همچنین، قرض دهنده می‌تواند برای تأمین وثیقه‌ای که شرعاً مجاز به دریافت آن است، وثیقه بخواهد.
- اگرچه وام‌گیرنده فقط ملزم به بازپرداخت اصل وام است، وام‌گیرنده مجاز است مبلغ اضافی‌ای را به‌عنوان تشکر از اصل وام بپردازد؛ اما در عقد قرض الحسنه نمی‌توان چنین پرداخت اضافی‌ای را پیش‌بینی کرد؛ چرا که ممکن است موضوع ربا مطرح شود.
- به‌طور کلی، حساب‌های جاری صندوق‌های سرمایه‌گذاری به‌عنوان وجوه قرض الحسنه تلقی می‌شوند؛ زیرا مبلغ اصلی برای دارنده حساب تضمین می‌شود و بازده اضافی نیز ارائه نمی‌شود؛ اما آن‌چه در ایران شاهد آن هستیم، این موضوع است که برای سپرده‌های قرض الحسنه هم از حساب جاری و هم از حساب پس‌انداز استفاده می‌شود.

وام‌های قرض الحسنه از ساختار بازپرداخت انعطاف‌پذیر پیروی می‌کنند. سپرده‌های دارندگان حساب جاری توسط مؤسسات مالی بین‌المللی به‌عنوان وام تلقی می‌شوند و در صورت مواجهه با این سپرده‌ها، نیازمند انعطاف‌پذیری از سوی سپرده‌گذاران هستند. انعطاف‌پذیری وام بین دو نوع قرارداد، متفاوت است.

1. Ahmadi

در حالی که وام مبتنی بر قرض باید در صورت تقاضا بازپرداخت شود، قرارداد سلف چنین تسهیلاتی را به وام‌دهنده ارائه نمی‌دهد و وام‌گیرندگان مجاز به بازپرداخت وام پس از سررسید هستند.

صنعت مالی اسلامی بر اساس پارادایم PLS در مقایسه با عملیات مبتنی بر بهره اقتصاد متعارف شکل گرفته است. چونگ و لیو^۱ (۲۰۰۹) سؤالاتی را در مورد پارادایم بانکداری اسلامی، دلایل مزیت‌های رقابتی آن‌ها، الزامات قوانین اصلاح‌شده و سیستم نظارت بررسی کرده‌اند. مشابه مطالعه چونگ و لیو (۲۰۰۹)، چندین محقق نیز به موضوعات مشابهی در مطالعات خود پرداخته‌اند (داریه و همکاران^۲، ۲۰۱۶؛ انصاری^۳، ۱۹۹۴؛ مختار و همکاران^۴، ۲۰۱۸). صنعت مالی اسلامی مبتنی بر اصل شرعی است و هرگونه انحراف از این اصول، در عمل می‌تواند اعتبار وجود آن را در نظام مالی اسلامی تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، سطح انطباق با شریعت در بین بانک‌های اسلامی در تحقیقات متعددی مورد بررسی قرار گرفته و نتایج نشان می‌دهد که بانک‌های اسلامی نتوانسته‌اند کاملاً با شریعت اسلامی مطابقت داشته باشند (مرزوقی^۵، ۲۰۰۹). انصاری و همکاران^۶ (۲۰۱۲) و خان و حنیف^۷ (۲۰۲۲) به وجود هیئت شرعی با علمای دینی اشاره می‌کنند که می‌تواند نقش به‌سزایی در ارتقای سطح انطباق بانک‌های اسلامی با دستورات شریعت داشته باشند.

الجیوسی و همکاران^۸ (۲۰۲۲) به این نتیجه اشاره کرده‌اند که بانک‌های اسلامی در مالزی نسبتاً رقابتی‌تر از بانک‌های معمولی هستند و چنین رقابتی در طول بحران مالی جهانی ۲۰۰۷-۲۰۰۹ به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. چنین نتایجی یافته‌های چونگ و لیو^۹ (۲۰۰۹) را در مرکز بحث قرار می‌دهند؛ زیرا که نویسنده به این نتیجه اشاره می‌کند که تنها تعداد انگشت‌شماری از بانک‌های اسلامی در مالزی مبتنی بر PLS هستند و سپرده‌های اسلامی با سپرده‌های معمولی پیوند نزدیکی

1. Chong & Liu
2. Dariah et al.
3. Ansari
4. Mukhtar et al.
5. Marsuki
6. Ansari et al.
7. Khan & Haneef
8. Al-Jayyousi et al.
9. Chong & Liu

دارند. سیاست پولی مرسوم مبتنی بر بهره فعلی نیز بی‌اثر شده است (یونگ و ریو^۱، ۲۰۱۷). بنابراین، سیاست پولی بدون بهره با پیروی از اصول شریعت، برای گسترش اقتصاد واقعی پتانسیل بیشتری دارد (سلیم و حسن^۲، ۲۰۱۹).

ذاکر حسین^۳ (۲۰۰۹) شواهد تجربی‌ای ارائه می‌کند که نشان می‌دهد بهره تأثیر منفی زیادی بر جامعه، اقتصاد و اخلاق انسان دارد. قرآن کریم بهره را به دلیل نقش نامطلوب آن در جامعه و اقتصاد، محکوم و نکوهش کرده است. به این ترتیب، دانشمندان اسلامی راه‌حل‌های بدون بهره را تجویز کرده‌اند که براساس هدف خیرخواهانه یا با عناصر تسهیم سود محقق می‌شوند (حسن^۴، ۲۰۱۶). سلیم و حسن (۲۰۱۹) با توسعه شاخص فلاکت که برای مقایسه میزان توسعه اقتصادی بین سیاست پولی بدون بهره و مبتنی بر بهره استفاده شده، سهم قابل توجهی در ادبیات مالی اسلامی داشته‌اند. نتایج ارائه شده توسط سلیم و حسن (۲۰۱۹) حاکی از آن است که کشورهای مبتنی بر سیاست پولی بدون بهره، در شاخص فلاکت از امتیاز کمتری برخوردارند و در نتیجه، نرخ تورم و بیکاری کمتری نیز دارند. چنین یافته‌هایی به اجرای سیاست‌های پولی مطابق با شریعت که توسط هاراهاپ و همکاران^۵ (۲۰۲۳) تجویز شده است نیز کمک می‌کند.

سلیم^۶ (۲۰۱۹) در ابتدا استدلال می‌کند که مضاربه، مؤثرتر از سیاست پولی مبتنی بر بهره است و بعد، سیاست پولی مبتنی بر صکوک را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد که از این قابلیت برخوردار است تا با مشارکت بانک مرکزی در بازار آزاد بهتر عمل کند (سلیم، ۲۰۱۹). الجیوسی^۷ (۲۰۱۶) استدلال می‌کند که فعالیت‌های تأمین مالی بدون ربای بانک‌های اسلامی، سهم مثبت و مستقیمی در گسترش بخش واقعی اقتصاد دارد. مطالعات گذشته، بحث‌های نظری (اسماعیل و شیخ^۸، ۲۰۱۷) و شواهد تجربی گلزار و همکاران^۹ (۲۰۲۱) را برای اهمیت نقش صنعت

-
1. Jung & Ryu
 2. Selim & Hassan
 3. Zakir Hossain
 4. Hassan
 5. Harahap et al.
 6. Selim
 7. Al-Jayyousi
 8. Ismail & Shaikh
 9. Gulzar et al.

مالی اسلامی در توسعه مالی و رشد اقتصادی ارائه کرده و مورد تأکید قرار داده‌اند. گلزار و همکاران (۲۰۲۱) با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته OLS و داده‌های تابلویی معتقدند که رشد صنعت مالی اسلامی می‌تواند توسعه اقتصادی را برای چندین کشور شورای همکاری خلیج فارس بهبود بخشد.

ابورونیا و سکتون^۱ (۲۰۰۶) امکان یک سیستم تعبیه شده مبتنی بر مالیه اسلامی و اهمیت محصولات مبتنی بر طرح تقسیم سود و زیان مانند مضاربه و مشارکه را برای دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار بررسی کرده‌اند. این مطالعه از کل سپرده اسلامی و مالیه اسلامی استفاده کرده و تأثیر آن را بر توسعه اقتصادی مالزی، مورد تأکید قرار داده است؛ با این حال، سابرینا^۲ (۲۰۲۰)، اصول تقسیم سود را که برای چندین محصول مالی اسلامی دنبال می‌شود به چالش کشیده و بر این نتیجه تأکید دارد که هزینه‌های بانک‌های اسلامی با نرخ‌های بهره متعارف مقایسه می‌شوند که تفاوت کمی بین سیاست پولی بدون بهره و مبتنی بر بهره ایجاد می‌کند. احمد و همکاران^۳ (۲۰۱۵) اشاره به تفاوت‌های اندکی بین محصولات متعارف و مبتنی بر شریعت دارند. حسین^۴ (۲۰۱۹) استدلال می‌کند که سودآوری بانک‌های اسلامی و متعارف، توسط عوامل تعیین‌کننده مشابه تعیین می‌شود. در میان چنین یافته‌هایی، مطالعات اخیر بر مدل جایگزین مالی اسلامی برای توسعه اقتصادی متمرکز شده‌اند که حول محور زکات (حسن و همکاران^۵، ۲۰۲۱) و وقف (بن‌ساید^۶، ۲۰۱۳) می‌چرخد. با این حال، توجه اندکی به وجوه قرض الحسنه به‌عنوان ابزار منطبق با شریعت برای توسعه اقتصادی شده است و در واقع در پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده، شواهد محدودی در زمینه اثربخشی قرض الحسنه به‌عنوان ابزار توسعه اقتصادی وجود دارد.

گانجو^۷ (۲۰۱۸) در پژوهش خود تأثیر سیاست‌های پولی مبتنی بر قرض الحسنه را بر اقتصاد و توانایی آن در بهبود اشتغال به‌دلیل هزینه کم استقراض نشان داده است. خان^۸ (۲۰۱۹) نیز تحلیلی مقایسه‌ای بین قرض الحسنه و مضاربه ارائه می‌کند

1. Aburounia & Sexton
2. Sabrina
3. Ahmed et al.
4. Hossain
5. Hassan et al.
6. Bensaid
7. Gundogdu
8. Khan

تا تفاوت این نوع سپرده‌ها و اهمیت آن‌ها را در تحول اقتصادی آشکار کند. آیدین^۱ (۲۰۱۵) از طریق شواهد تجربی تأیید می‌کند که قرض‌الحسنه برای توانمندسازی کشاورزان مسلمان فقیر و تقویت رشد کشاورزی ضروری است. دیالو و گانجو^۲ (۲۰۲۱) در مورد احتمالات قرض‌الحسنه برای استفاده به‌عنوان یک ابزار مالی خرد با پیامدهای مشابه برای توسعه پایدار از طریق کاهش فقر بحث و بررسی انجام داده‌اند. باتوجه به توضیحاتی که تاکنون ارائه شد، می‌توان فرضیه زیر را ایجاد کرده و در ادامه، مورد بررسی قرار داد:

فرضیه ۱: امور مالی منطبق با شریعت متشکل از وجوه قرض‌الحسنه، تأثیر مثبتی بر توسعه پایدار دارد.

۳. روش‌شناسی

۱.۳. داده‌ها

هدف این پژوهش، بررسی توانایی مالی وجوه قرض‌الحسنه در تضمین توسعه پایدار است. پژوهش حاضر تلاش دارد در این زمینه شواهد جهانی را نیز ارائه و مورد تحلیل قرار دهد؛ بنابراین، مقاله حاضر برای این مطالعه از چندین پایگاه داده برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده کرده که شامل هیئت خدمات مالی بین‌المللی^۳ (IFSB) و بانک جهانی^۴ می‌شود. جدول شماره ۲ تعاریفی از متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق ارائه می‌دهد. پژوهش از چهار معیار به‌عنوان شاخص توسعه پایدار مبتنی بر چارچوب سازمان ملل برای توسعه پایدار استفاده کرده که از آن جمله می‌توان به نسبت خط فقر (باربیه و برگس^۵، ۲۰۱۷)، تکمیل مدارس متوسطه (آبل و همکاران^۶، ۲۰۱۶)، تنوع جنسیتی در محیط کار (سامیدرا^۷، ۲۰۱۶) و استفاده از اینترنت (صلاح‌الدین و همکاران^۸، ۲۰۱۶) نام برد. این شاخص‌های توسعه پایدار به‌دلیل ارتباطشان با صنعت مالی اسلامی در مدل رگرسیون گنجانده شده است.

1. Aydin
2. Diallo & Gundogdu
3. International Financial Services Board
4. World Bank
5. Barbier & Burgess
6. Abel et al.
7. Sumedrea
8. Salahuddin et al.

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیرات مالی منطبق با شریعت؛ به‌ویژه نقش وجوه قرض الحسنه در تضمین توسعه پایدار است. بنابراین، در این پژوهش، چهار شاخص توسعه پایدار معرفی شده است که شامل نسبت خط فقر، اتمام تحصیلات متوسطه، تنوع جنسیتی و استفاده از اینترنت به‌عنوان متغیرهای وابسته است. این متغیرها از گزارش توسعه پایدار (۲۰۱۹) براساس ارتباط آن‌ها با صنعت مالی اسلامی انتخاب شده‌اند. متغیرهای مستقل این تحقیق نیز شامل امور مالی منطبق با شریعت و وجوه قرض الحسنه است. داده‌های متغیرهای مستقل از وبسایت هیئت خدمات مالی اسلامی (IFSB) استخراج شده و آمار کشورها را نشان می‌دهد. علاوه بر این، متغیرهای کنترلی در سطح کشور، از جمله نسبت کفایت سرمایه، اهرم، رشد تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درآمد ناخالص ملی نیز معرفی شده است.

جدول ۱. توصیف متغیرها

متغیرها	مخفف	تعریف
متغیرهای وابسته		
خط فقر	SDG1	نسبت خط فقر در ۱/۹۰ دلار/ روز (٪ جمعیت)
تحصیلات متوسطه	SDG2	نرخ تکمیل تحصیلات متوسطه پایین (٪)
تنوع جنسیتی	SDG3	نسبت نرخ مشارکت نیروی کار زن به مرد
استفاده از اینترنت	SDG4	جمعیت استفاده‌کننده از اینترنت (٪)
متغیرهای مستقل		
امور مالی مطابق با شریعت	SCF	لگاریتم طبیعی ارزش کل منابع مالی منطبق با شریعت به دلار
مالیه قرض الحسنه	QH	لگاریتم طبیعی قرض الحسنه
متغیرهای کنترلی		
نسبت کفایت سرمایه	CAR	نسبت کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی براساس استانداردهای بازل
اهرم	LEV	نسبت کل دارایی به سرمایه ردیف ۱
رشد تولید ناخالص داخلی	GDPG	لگاریتم طبیعی نرخ رشد سالانه در تولید ناخالص داخلی
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	FDI	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جریان سرمایه گذاری مستقیم اقتصاد
درآمد ناخالص ملی	GNI	لگاریتم طبیعی GNI تقسیم بر جمعیت وسط سال

مأخذ: گزارش توسعه پایدار (۲۰۱۹) و هیئت خدمات مالی اسلامی (IFSB)

رشد تولید ناخالص داخلی اغلب در مطالعات مربوط به توسعه پایدار به‌عنوان یک متغیر کنترلی استفاده شده است (حسن^۱، ۲۰۱۶؛ الجیوسی و همکاران^۲، ۲۰۲۲). در پژوهش حاضر، علاوه بر رشد تولید ناخالص داخلی، از نسبت کفایت سرمایه، اهرم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درآمد ناخالص ملی نیز استفاده شده است. داده‌های مربوط به متغیرهای کنترلی از پایگاه داده بانک جهانی و پایگاه داده‌های هیئت خدمات مالی اسلامی جمع‌آوری شده است. داده‌های مربوط به وجوه قرض‌الحسنه و شریعت مطابق با پایگاه داده هیئت خدمات مالی اسلامی جمع‌آوری شده است. نمونه نهایی شامل بیست و پنج کشور است که سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲ را پوشش می‌دهند. با این حال، داده‌های برخی کشورها برای تمام سال‌های انتخاب‌شده در دسترس نبوده و بنابراین پژوهش از یک داده پانلی نامتوازن با ۲۲۶ مشاهده ساخته شده است.

۲.۳. توسعه مدل

این مقاله برای تعیین تأثیر وجوه قرض‌الحسنه در توسعه پایدار برای کشورهای منتخب از تحلیل چندمرحله‌ای استفاده کرده است. در واقع مدل تجربی با پیروی از مدل پایه‌ای جیرایرت و ویل^۳ (۲۰۱۵) توسعه پیدا کرده است. در مرحله نخست، مدلی (معادله ۱) برای بررسی تأثیر تأمین مالی مطابق با شریعت بر توسعه پایدار ایجاد شده است. در مدل دوم (معادله ۲)، برای مقایسه میزان توسعه پایدار با و بدون حضور وجوه قرض‌الحسنه یک متغیر دامی ایجاد شده است. در نهایت و در مدل نهایی، یک آیتیم تعاملی با ترکیب وجوه قرض‌الحسنه و تأمین مالی منطبق با شریعت برای بررسی اهمیت تأمین مالی قرض‌الحسنه در سبب تأمین مالی مطابق با شریعت آورده شده که می‌تواند توسعه پایدار را تضمین کند.

$$SD = \alpha_{it} + \beta SCF_{it} + \sum_{i=1}^N \varphi Controls_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

$$SD = \alpha_{it} + \beta QH_{it} + \sum_{i=1}^N \varphi Controls_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

-
1. Hassan
 2. Al-Jayyousi
 3. Gheeraert & Weill

$$SD = \alpha_{it} + \beta SCF_{it} + YQH * SF_{it} + \sum_{i=1}^N \varphi Controls_{it} + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

در جایی که α_{it} ، نشان‌دهنده اثر خاص شرکت است، β ، γ و φ ضرایبی هستند که باید تخمین زده شوند. توسعه پایدار متغیر وابسته در مدل برآورد را نشان می‌دهد که با تعداد نسبت خط فقر، نرخ اتمام دوره متوسطه، تنوع جنسیتی و استفاده از اینترنت مشخص می‌شود. متغیر مالیه منطبق با شریعت یک متغیر مستقل است و با لگاریتم طبیعی مالیه شرعی اندازه‌گیری می‌شود. قرض الحسنه، لگاریتم طبیعی تأمین مالی قرض الحسنه است که توسط بخش بانکی کشورهای منتخب ارائه شده است. همچنین برای بررسی نقش قرض الحسنه در سبد مالی شریعت، یک متغیر تعاملی به نام قرض الحسنه مالی منطبق با شریعت معرفی شده است. Controls ماتریسی از متغیرهای کنترل را نشان می‌دهد. همچنین هر دو متغیر کنترل در سطح شرکت و سطح کشور نیز در این مدل گنجانده شده است. توضیحات تفصیلی برای هر متغیر مستقل و کنترل، در جدول شماره ۲ ارائه شده است. رویکردهای حداقل مربعات معمولی (OLS) برای غلبه بر مشکل خودهمبستگی که ممکن است بین عبارات خطا و متغیر وابسته، تأخیری وجود داشته باشد، استفاده شده است. رگرسیون OLS در بیشتر تحقیقات همچون: احمد و همکاران^۱ (۲۰۱۵) که به بررسی تأثیر تأمین مالی اسلامی بر توسعه اقتصادی پرداخته است، استفاده شده است.

۴. قرض الحسنه و توسعه پایدار

مفاهیم پایداری و توسعه پایدار (SD) به دلیل نگرانی شدید در مورد مسائل حیاتی بقا برای بشریت از دهه ۱۹۶۰ مورد توجه قرار گرفته است. سؤال کلیدی‌ای که به این ترتیب پرسیده شد، این است که با توجه به تله فقر، کمبود کرامت انسانی، بیماری‌های کشنده و تخریب محیط زیست، آیا به سمت آینده‌ای پایدار حرکت می‌کنیم؟ در دهه ۱۹۷۰، پایداری برای توصیف اقتصاد در تعادل با سیستم‌های حمایتی اولیه اکولوژیکی مورد استفاده قرار گرفته است. سه جزء کلیدی توسعه پایدار شامل ابعاد محیطی، اقتصادی و اجتماعی است؛ با این حال، مدل‌های دیگر

1. Ahmed et al.

محیط (سرمايه طبيعي) را به‌عنوان شالوده کلي سيستم‌هاي حمايت از زندگي براي ساکنان سياره مي‌دانند.

کميسیون جهاني محيط زيست و توسعه سازمان ملل، گزارش آينده مشترک ما (۱۹۸۷) را منتشر کرده که شامل آنچه در حال حاضر يکي از شناخته‌شده‌ترين تعاريف توسعه پايدار است: «توسعه پايدار توسعه‌اي است که نيازهاي زمان حال را بدون به‌خطر انداختن توانايي‌هاي نسل‌هاي آينده براي رفع نيازهاي خود برآورده کند.» اين، به‌معنای توجه به برابري بين نسلي (بين فقير و غني در حال حاضر) و برابري بين نسلي (بين نسل‌هاي فعلي و آينده) براي آينده‌اي پايدار است. اتحاديه بين‌المللي حفاظت از طبيعت (IUCN) با تاکيد بر کيفيت زندگي به‌عنوان يک مفهوم کلي، علاوه بر ظرفيت تحمل اکوسيستم‌ها، بعد جديدي به درک توسعه پايدار اضافه کرده است که به منافع و حقوق نسل‌هاي آينده و همچنين مردم امروز نيز توجه دارد.

پايداري در مرکز گفتمان جاري در توسعه اقتصادي، از جمله در حوزه اقتصاد اسلامي قرار دارد. اصطلاحات «پايداري» و «توسعه پايدار» در پژوهش‌هاي مختلف اغلب به‌جاي يکديگر مورد استفاده قرار گرفته است؛ امري که باعث شده تا نتوان آن‌ها را به‌طور کامل از هم متمايز کرد (ژو و هووا^۱، ۲۰۱۷؛ دنگ^۲، ۲۰۱۵؛ بيتنکورت و کاور^۳، ۲۰۱۱). همانطور که توسط اولاوومي و چان^۴ (۲۰۱۸) و سرتوري و همکاران^۵ (۲۰۱۴) بحث شده است، اين دو اصطلاح همانطور که در ادبيات مربوطه قابل مشاهده است، اغلب به‌جاي يکديگر استفاده مي‌شوند.

مفهوم توسعه پايدار بعد از تولد خود در دهه ۱۹۶۰، در اوایل دهه ۱۹۷۰ به‌صورت گسترده و جدی مورد بحث و بررسی قرار گرفت؛ بحث‌هایی که به‌صورت متعدد، همچون: (مبراتو^۶، ۱۹۹۸؛ میتلین^۷، ۱۹۹۲) شواهدی از پیامدهای زیست‌محیطی منفی انقلاب سبز در کشاورزی (کارسون^۸، ۱۹۶۲) آلودگی‌های

-
1. Zhu & Hua
 2. Deng
 3. Bettencourt & Kaur
 4. Olawumi & Chan
 5. Sartori
 6. Mebratu
 7. Mitlin
 8. Carson

صنعتی‌ای مانند: بیماری میناماتا (هارادا^۱، ۱۹۹۵) و فاجعه سوسو (برتازی^۲، ۱۹۹۱) شیوه زندگی و شهرنشینی غربی (میدوز و همکاران^۳، ۱۹۷۲) و همچنین خطرات ذاتی در حفظ منطق رشد اقتصادی به‌عنوان استراتژی توسعه (میدوز و همکاران، ۱۹۷۲) در مورد نیاز به اعمال محدودیت بر مدل توسعه غربی هشدار می‌دادند.

تئوری توسعه پایدار که از طریق گزارش کمیسیون برون‌داند در سال ۱۹۸۷ با عنوان «آینده مشترک ما»^۴ مورد توجه قرار گرفت، بر تعادل رشد اقتصادی، برابری اجتماعی و حفاظت از محیط زیست تأکید دارد. این نظریه بیان می‌کند که توسعه باید نیازهای زمان حال را بدون به‌خطرانداختن توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهای خود، برآورده کند (WCED، ۱۹۸۷). پس‌از آن، اکثریت جامعه بین‌المللی، این بیانیه را به‌عنوان پارادایم توسعه جدید پذیرفتند (آلوارادو-هررا و همکاران^۵، ۲۰۱۷؛ گور^۶، ۲۰۱۵). در حوزه مالیة اسلامی، قرض الحسنه این اصول را با ارائه حمایت‌های مالی بدون بهره با هدف تقویت عدالت اجتماعی، توانمندسازی اقتصادی و پایداری زیست‌محیطی تجسم می‌بخشد. استفاده از قرض الحسنه برای شرکت‌هایی که در مراحل اولیه رشد قرار دارند می‌تواند با پرداختن به موانع مالی مهم آن‌ها و ترویج رشد اقتصادی فراگیر، با نظریه توسعه پایدار همسو شود.

مطالعات متعدد نشان می‌دهد که وقتی از اصطلاح توسعه پایدار استفاده می‌شود، تنها دو معیار مرتبط با چارچوب این اصطلاح برای ادغام سه رکن پایداری (توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست)؛ یعنی اهداف توسعه هزاره و اهداف توسعه پایدار (SDGs)^۷ مدنظر بوده و در آن‌ها وجود دارد. اگرچه، هورنر^۸ (۲۰۲۰) و هورنر و هولم^۹ (۲۰۱۹) استدلال می‌کنند که اهداف توسعه هزاره همچنان برحسب پارادایم توسعه بین‌المللی که به‌طور عمده بر کشورهای درحال توسعه متمرکز است، مفهوم‌سازی می‌شوند. از سوی دیگر، SDGs به یک پارادایم

-
1. Harada
 2. Bertazzi
 3. Meadows et al.
 4. Our Common Future
 5. Alvarado-Herrera et al.
 6. Gore
 7. The Sustainable Development Goals
 8. Horner
 9. Horner & Hulme

توسعه جهانی تبدیل شده؛ زیرا این دیدگاه همه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را به عنوان یک هدف مشترک پایداری و در نتیجه به عنوان وسیله مشترک در راستای تحقق مسئولیت‌ها می‌بیند.

جدول ۲. اهداف توسعه پایدار

بخش	ترتیب	اهداف
اجتماعی	SDG 1	پایان دادن به فقر در همه اشکال و در همه جا
اجتماعی	SDG 2	پایان دادن به گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی، بهبود تغذیه و ترویج کشاورزی پایدار
اجتماعی	SDG 3	تضمین زندگی سالم و ارتقای رفاه برای همه و در تمامی سنین
اجتماعی	SDG 4	تضمین آموزش با کیفیت فراگیر و عادلانه و ارتقای فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه افراد
اجتماعی	SDG 5	دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران
محیط زیست	SDG 6	اطمینان از در دسترس بودن و مدیریت پایدار آب و فاضلاب برای همه
محیط زیست	SDG 7	اطمینان از دسترسی به انرژی مقرون به صرفه، قابل اعتماد، پایدار و مدرن برای همه
اقتصادی	SDG 8	ترویج رشد اقتصادی پایدار، فراگیر و پایدار، اشتغال کامل و مولد و کار شایسته برای همه
اقتصادی	SDG 9	ایجاد زیرساخت‌های انعطاف پذیر، ترویج صنعتی شدن فراگیر و پایدار و تقویت نوآوری
اجتماعی	SDG 10	کاهش نابرابری در داخل و بین کشورها
اجتماعی	SDG 11	انعطاف پذیری، فراگیری، ایمنی و پایداری شهرها و سکونتگاه‌های انسانی
اقتصادی	SDG 12	اطمینان از الگوهای مصرف و تولید پایدار
اقتصادی	SDG 13	اقدامات فوری در زمینه مقابله با تغییرات آب و هوایی و اثرات آن
محیط زیست	SDG 14	حفاظت و استفاده پایدار از اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی در جهت توسعه پایدار
محیط زیست	SDG 15	حفاظت، بازیابی و ترویج استفاده پایدار از اکوسیستم‌های زمینی، مدیریت پایدار جنگل‌ها، مبارزه با بیابان‌زدایی، توقف و معکوس کردن تخریب زمین و توقف از دست دادن تنوع زیستی
حکمرانی	SDG 16	ترویج جوامع صلح آمیز و فراگیر برای توسعه پایدار، دسترسی به عدالت برای همه و ایجاد نهادهای مؤثر، پاسخگو و فراگیر در همه سطوح
حکمرانی	SDG 17	تقویت ابزار اجرا و احیای مشارکت جهانی برای توسعه پایدار

مأخذ: گزارش SDGs، UNDP (۲۰۱۵)

اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (SDGs) که در سال ۲۰۱۵ تأسیس شد، چارچوبی جامع برای تلاش‌های توسعه جهانی ارائه می‌کند که شامل ۱۷ هدف است که طیف گسترده‌ای از موضوعات، از جمله فقر، نابرابری، تغییرات آب و هوایی و رشد اقتصادی را هدف قرار می‌دهد. در این ارتباط، قرض الحسنه می‌تواند به‌طور قابل توجهی به اهداف توسعه پایدار کمک کند؛ به‌ویژه موارد مربوط به کار شایسته و رشد اقتصادی (هدف ۸)، کاهش نابرابری‌ها (هدف ۱۰) و مصرف و تولید مسئولانه (هدف ۱۲). قرض الحسنه با تسهیل دسترسی به سرمایه برای کارآفرینانی که اغلب از سیستم‌های مالی سنتی کنار گذاشته شده‌اند، از ایجاد و رشد شرکت‌های در مراحل اولیه رشد حمایت می‌کند که برای پویایی و نوآوری اقتصادی حیاتی هستند. در نتیجه، این شمول مالی باعث تقویت انعطاف‌پذیری اقتصادی و رشدهای متنوعی می‌شود که برای توسعه پایدار ضروری است (سازمان ملل، ۲۰۱۵).

در مفهوم اقتصاد اسلامی، برنامه توسعه پایدار فوق با هدف اقتصاد اسلامی مرتبط است. حصول اطمینان از رشد و توسعه پایدار اقتصادی یک فرد، مطابق با تعریف اسلام از توسعه است که زمان و آسوتای^۱ (۲۰۰۹) استدلال می‌کنند که در فرآیند دستیابی به اهداف زندگی، انسان‌ها همواره اعتلای اخلاقی، معنوی و جهانی را مد نظر قرار داده‌اند و بعد توسعه‌ای و آینده‌نگری را مورد توجه بیشتری قرار داده‌اند؛ توسعه‌ای که اعتلای تکوینی یکی از جنبه‌های کلیدی اهداف توسعه‌ای در اسلام است. علاوه بر آن، هدایت و همکاران^۲ (۲۰۲۱) معتقداند که برخی از اقتصاددانان اسلامی، چارچوب اقتصاد اخلاقی اسلامی را در مورد توسعه به‌گونه‌ای تعریف می‌کنند که تأمین نیازهای ضروری انسان و همچنین ایجاد خیر و رفاه همه انسان‌ها معنای واقعی توسعه است. در این زمینه، می‌توان دریافت که توسعه پایدار در اسلام، فی‌نفسه اصطلاحی اصلاح‌کننده است که در عین حال از این قابلیت نیز برخوردار است که می‌توان آن را با خیر و رفاه جایگزین کرد.

پایداری اقتصادی، جزء اصلی تئوری توسعه پایدار، از طریق ارائه وام‌های بدون بهره تحت عنوان قرض الحسنه، کارآیی دارد. درحقیقت این مدل تأمین مالی، بار مالی را بر روی شرکت‌های در مراحل اولیه رشد کاهش داده و به آن‌ها اجازه می‌دهد

1. Asutay & Zaman

2. Hidayat

تا به جای خدمات بدهی، منابع بیشتری را به سرمایه‌گذاری‌های مولد تخصیص دهند. در نتیجه، چنین حمایت‌های مالی‌ای می‌تواند رشد کسب و کار را تسریع کند، بهره‌وری را افزایش دهد، ایجاد فرصت‌های شغلی را تسهیل کند و در نتیجه، به توسعه اقتصادی پایدار کمک کند (احمد^۱، ۲۰۱۱). در واقع، تزریق سرمایه از طریق قرض الحسنه به ایجاد یک اکوسیستم کارآفرینی قوی کمک می‌کند که در آن، کسب‌وکارها می‌توانند شکوفا شوند، نوآوری کنند و به ثبات و رشد اقتصادی بیشتر، کمک کنند.

عدالت اجتماعی، یکی دیگر از ارکان حیاتی توسعه پایدار، به‌طور ذاتی می‌تواند توسط قرض‌الحسنه حمایت و احیاء شود. اصول اخلاقی مالیه اسلامی تضمین می‌کند که این وام‌های خیرخواهانه به سمت جمعیت‌های محروم و به‌حاشیه‌رانده شده سوق داده شود که در نتیجه، تأثیرات مستقیمی بر مشارکت اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی خواهد داشت (دوسوکی^۲، ۲۰۰۸). قرض‌الحسنه با توانمندسازی افراد و جوامعی که به خدمات مالی متعارف دسترسی ندارند، به پرکردن شکاف‌های اجتماعی-اقتصادی کمک می‌کند و در این راستا، انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند. به علاوه، این مدل تأمین مالی می‌تواند برای حمایت از شرکت‌هایی که پایداری زیست‌محیطی را در اولویت قرار می‌دهند، هماهنگ با اهداف توسعه پایدار مرتبط با اقدامات آب و هوایی (هدف ۱۳) و زندگی در خشکی (هدف ۱۵) طراحی شود. قرض‌الحسنه با ترویج شیوه‌های کسب‌وکار مسئولانه، از نظر زیست‌محیطی تضمین می‌کند که پیشرفت‌های اقتصادی به‌قیمت به‌خطرافتادن سلامت زیست‌محیطی تمام نمی‌شود.

۵. نتایج و بحث

۱.۵. نتایج

جدول شماره ۳، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را ارائه می‌دهد. میانگین نسبت خط فقر برای نمونه ۸/۴۷۳ درصد با انحراف معیار ۱۳/۱۸۹ است. نرخ اتمام دوره متوسطه دارای درصد متوسط ۸۳/۴۵۸ با انحراف معیار ۱۸/۷۹۳ است. تنوع

1. Ahmed

2. Dusuki

جنسیتی دارای میانگین امتیاز ۴۳/۱۰۸ و انحراف معیار ۲۲/۸۵۴ است. شاخص نهایی توسعه پایدار، استفاده از اینترنت، دارای میانگین امتیاز ۵۳/۷۴۱ و انحراف معیار ۳۲/۵۶۵ است. مقاله حاضر با استفاده از لگاریتم طبیعی تأمین مالی منطبق با شریعت ارائه شده توسط کشورهای منتخب، به بررسی این موضوع پرداخته است. میانگین امتیاز مالی مطابق با شریعت ۳/۵۴۱ است. متغیر قرض الحسنه نشان‌دهنده میانگین ۹/۲۳۱ با انحراف معیار ۶/۲۸۷ است.

جدول ۳. آمار توصیفی

متغیر	مخفف	مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
متغیر وابسته						
خط فقر	SDG1	۷۴	۸/۴۷۳	۱۳/۱۸۹	۰/۰۱۹	۴۹/۵۶۳
تحصیلات متوسطه	SDG2	۷۴	۸۳/۴۵۸	۱۸/۷۹۳	۴۸/۶۵۷	۱۲۰/۸۹۴
تنوع جنسیتی	SDG3	۱۱۰	۴۳/۱۰۸	۲۲/۸۵۴	۲۱/۷۴۳	۸۹/۸۴۱
استفاده از اینترنت	SDG4	۹۸	۵۳/۷۴۱	۳۲/۵۶۵	۶/۳۰۱	۹۶/۰۰۱
متغیر مستقل						
مالیه اسلامی	SCF	۱۱۳	۳/۵۴۱	۲/۰۱۴	-۳/۵۱۲	۸/۵۸۸
قرض الحسنه	QH	۶۵	۹/۲۳۱	۶/۲۸۷	-۱/۲۵۵	۱۹/۲۳۷
متغیرهای کنترل						
نسبت کفایت سرمایه	CAR	۹۹	۰/۲۹۱	۰/۲۱۷	۰/۰۲۱	۰/۹۲۱
نقدینگی	LIQ	۱۰۸	۰/۲۳۶	۰/۱۵۶	۰/۰۲۳	۰/۷۴۸
رشد جی‌دی‌پی	GDPG	۱۱۳	۴/۲۰۱	۲/۰۱۲	-۳/۱۲۴	۱۴/۲۰۴
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	FDI	۹۸	۱/۲۵۷	۲/۵۵۴	-۳/۲۰۱	۱۳/۰۱۹
ناخالص درآمد ملی	GNI	۱۱۳	۱۲/۱۰۲	۲/۰۰۶	۸/۰۱۴	۲۱/۰۹۸
حکمرانی	CGOV	۹۸	-۲/۵۵۴	۵/۲۱۸	-۸/۹۰۹	۳/۲۱۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همچنین تجزیه و تحلیل همبستگی ارائه شده در جدول شماره ۴ نشان دهنده همبستگی بالایی بین متغیر مستقل نیست. متغیرهای مستقل، همبستگی‌هایی با متغیرهای وابسته دارند. در این پژوهش همچنین برای شناسایی ماهیت ثابت داده‌ها در چندین مرحله تجزیه و تحلیل ریشه واحد پانل انجام شده است. آزمون ریشه واحد پانلی در ابتدا در سطح انجام شده است. آماره لوین، لین و چو از نظر آماری در سطح معنی دار نبوده و در نتیجه، آزمون در اولین تفاضل تکرار شده است. آماره لوین، لین و چو نشان می‌دهد که داده‌ها در اولین تفاضل، پایا هستند. علاوه بر ریشه واحد گروهی، آزمایش‌های ریشه واحد مشترک و فردی نیز انجام شده است که نتایج، دال بر این است که داده‌ها در سطح پایا هستند.

جدول ۴. تجزیه و تحلیل همبستگی

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱	خط فقر											
۲	تحصیلات متوسطه	-۰/۳۹۴										
۳	تنوع جنسیتی	-۰/۴۱۳	۰/۱۸۵۸									
۴	استفاده از اینترنت	-۰/۶۴۷	۰/۹۴۳	۰/۱۸۹۲								
۵	تطابق با شریعت	۰/۶۴۳	-۰/۱۸۶۲	-۰/۹۴۵	-۰/۹۶۳							
۶	قرض الحسنه	-۰/۳۳۲	۰/۹۸۹	۰/۱۸۷۳	۰/۹۱۹	-۰/۱۸۵۵						
۷	نسبت کفایت سرمایه	-۰/۴۸۳	۰/۶۵۳	۰/۱۸۳۵	۰/۷۳۹	-۰/۱۸۳۱	۰/۶۷۵					
۸	نقدینگی	۰/۵۸۹	-۰/۴۷۹	-۰/۱۷۹	-۰/۵۴۳	۰/۴۴۲	-۰/۳۹۲	-۰/۰۳۹				
۹	رشد جی‌دی‌پی	-۰/۲۵۶	۰/۳۲۸	۰/۶۲۹	۰/۴۲۱	-۰/۵۷۹	۰/۸۸۷	۰/۲۶۹	۱			
۱۰	سرمایه گذاری مستقیم خارجی	-۰/۳۳۷	۰/۶۶۵	۰/۶۹۸	۰/۶۷۱	-۰/۶۷۸	۰/۶۰۵	۰/۴۵۸	-۰/۳۷۹	۰/۲۵۸		
۱۱	ناخالص درآمد ملی	-۰/۶۱۹	۰/۷۱۹	۰/۳۷۲	۰/۷۳۴	-۰/۵۹۴	۰/۶۶۹	۰/۳۵۹	-۰/۱۸۶۴	-۰/۰۱۹	۰/۳۲۶	۱
۱۲	حکمرانی	-۰/۲۱۹	۰/۶۹۸	۰/۹۱۸	۰/۷۲۱	-۰/۷۸۹	۰/۷۱۹	۰/۶۸۷	۰/۰۵۱	۰/۵۶۷	۰/۶۹۱	۰/۰۶۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۵ نتایج رگرسیون پانل را برای مدل توسعه یافته در معادله ۱ ارائه می دهد. در تحلیل رگرسیون تمام شاخص های توسعه پایدار گنجانده شده است. مقاله دال بر امتیاز ضریب مثبت برای رگرسیون OLS را گزارش می کند که به ترتیب در سطح ۱ درصد معنادار است. نتایج دلالت دارد که مالیه مطابق با شریعت تأثیر مثبت و قابل توجهی بر نسبت جمعیت فقیر دارد؛ در حالی که تأثیر آن بر تکمیل مدارس متوسطه و استفاده از اینترنت منفی است.

رگرسیون OLS براساس مدل ها انجام شده است:

$$SD_{it} = \alpha_{it} + \beta SCF_{it} + \sum_{i=1}^N \varphi Controls_{it} + \varepsilon_{it}$$

جدول ۵. تأثیر تأمین مالی منطبق با شریعت بر توسعه پایدار

(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
-۳/۶۸۲*	-۲/۸۲۴	-۳/۷۸۴**	۳/۹۰۷***	امور مالی مطابق با شریعت
(-۲/۳۶)	(-۱/۸۹)	(-۳/۵۹)	-۵/۳۹	
-۱۳/۹۲۴	۱۱/۹۸۴	۵۳/۹۴۷***	۶۱/۳۲۸***	نسبت کفایت سرمایه
(-۱/۱۸)	-۰/۴۹	-۴/۱۸	-۴/۷۴	
-۱/۲۸۷	۳۸/۲۱۸*	-۵۶/۲۱۸***	-۲۶/۵۴۷	نقدینگی
(-۰/۰۹)	-۳/۲۱	(-۴/۵۸)	(-۱/۰۹)	
-۰/۶۵۲	-۰/۵۶۹	-۲/۳۵۱***	-۱/۱۹۸	رشد تولید ناخالص داخلی
(-۰/۴۸)	(-۰/۵۷)	(-۵/۱۸)	(-۱/۹۸)	
۰/۶۲۱	۱/۱۸۷	-۰/۰۵۹	۰/۰۶۸	سرمایه گذاری مستقیم خارجی
-۰/۶۱	-۱/۹	(-۰/۱۸)	-۰/۱۹	
-۳/۹۸۱*	-۰/۱۶۹	-۰/۹۹۹	-۰/۶۲۱	درآمد ناخالص ملی
(-۲/۳۴)	(-۰/۱۹)	(-۱/۳۹)	(-۰/۶۱)	
-۳/۹۲۵***	۱/۲۲۹	۱/۲۰۸***	-۰/۵۷۴	حکمرانی
-۲/۰۹	-۲/۰۱	-۳/۵۱	(-۰/۹۸)	
۱۲۱/۱۸۷***	۵۲/۶۶۳**	۱۳۷/۸۱۴***	۱۵/۸۵۴	ثابت
-۵/۰۸	-۲/۷	-۹/۵۸	-۰/۲۸	
بله	بله	بله	بله	کشور*سال
۶۲	۶۹	۴۳	۴۱	مشاهدات
۸/۲۳۱***	۱۲/۰۹۸***	۱۷/۲۳۹***	۲۵/۲۱۱***	آماره F
۰/۴۴۶	۰/۴۲۱	۰/۷۸۱	۰/۷۳۹	ضریب تعیین
۲۴/۹۸۸	۱۸/۸۲۱	۸/۸۹۱	۸/۲۱۴	میانگین مربع خطاها

مأخذ: یافته های پژوهش

در جدول شماره ۵، نسبت تعداد کارمندان، اتمام تحصیلات متوسطه، تنوع جنسیتی و استفاده از اینترنت، متغیرهای وابسته مدل‌های رگرسیونی ۱، ۲، ۳ و ۴ هستند که توسط منابع رسمی کشورهای اسلامی نمونه، ارائه شده است. متغیرهای کنترلی نیز شامل رشد تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، درآمد ناخالص ملی و حکمرانی کشوری در هر مدل رگرسیونی می‌شود. علاوه بر این، متغیر تعامل (کشور*سال) برای کنترل اثر ثابت ممکن از مدل‌های رگرسیون معرفی شده است. شرح تفصیلی برای هر متغیر در جدول ۲ ارائه شده است. در نهایت، آماره و ضریب t گزارش شده (در داخل پرانتز)، **، ***، * به ترتیب، دلالت بر معنی‌داری در ۱، ۵ و ۱۰ درصد را نشان می‌دهند.

در جدول شماره ۶، مالیه منطبق با شریعت با متغیر دامی قرض‌الحسنه جایگزین شده است. نتایج حاکی از آن است که کشورهای تأمین‌کننده منابع مالی قرض‌الحسنه به سطح بالاتری از توسعه پایدار دست می‌یابند. بخش مالی قرض‌الحسنه نیز نقش مثبتی در بهبود نسبت تعداد سرشماری فقر و تنوع جنسیتی در میان نمونه‌های انتخاب شده داشته است؛ با این حال، تأثیر مالی قرض‌الحسنه بر تکمیل تحصیلات دوره متوسطه و استفاده از اینترنت، قابل توجه نبوده است. رگرسیون OLS بر اساس مدل زیر انجام شده است:

$$SD_{it} = \alpha_{it} + \beta QHF_{it-1} + \sum_{i=1}^N \varphi Controls_{it} + \varepsilon_{it}$$

در جدول شماره ۶، نسبت اتمام تحصیلات متوسطه، تنوع جنسیتی و استفاده از اینترنت، متغیرهای وابسته مدل‌های رگرسیونی ۱، ۲، ۳ و ۴ هستند که توسط منابع رسمی کشورهای اسلامی نمونه ارائه شده است. متغیرهای کنترلی نیز شامل رشد تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، درآمد ناخالص ملی و حکمرانی کشوری در هر مدل رگرسیونی می‌شود. علاوه بر این، متغیر تعامل (کشور*سال) برای کنترل اثر ثابت از مدل‌های رگرسیون معرفی شده است که شرح تفصیلی برای هر متغیر در جدول شماره ۲ ارائه شده است. در نهایت، آماره و ضریب t گزارش شده در داخل پرانتز، **، ***، * به ترتیب، دلالت بر معنی‌داری در ۱، ۵ و ۱۰ درصد را نشان می‌دهند.

جدول ۶. تأثیر وجوه قرض‌الحسنه بر توسعه پایدار

(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
-۰/۳۰۸	-۶/۴۰۹*	-۰/۱۷	۴/۵۴۱*	امور مالی مطابق با شریعت
(-۰/۱۹)	-۲/۹	(-۰/۱۹)	-۲/۷	
۷/۰۵۷	۱۷/۰۸۹	۸/۰۳۹	۴۴/۳۱۷	نسبت کفایت سرمایه
-۰/۵	-۰/۸۷	-۰/۲۷	-۱/۶۹	
-۲۲/۹۹۵*	۳۱/۳۲	-۱۲/۵۵۷	-۶۲/۵۹۸*	نقدینگی
(-۳/۱۲)	-۱/۱۹	(-۰/۵۴)	(-۳/۱۴)	
۰/۵۲۱	-۱/۸۴۱	-۰/۱۵۴	-۰/۷۸۴	رشد تولید ناخالص داخلی
-۱/۲۹	(-۱/۹۸)	(-۰/۰۸)	(-۲/۱۴)	
۰/۲۹۸	-۰/۷۹	۰/۳۳۶	-۰/۴۵۸	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
(-۰/۶۹)	(-۰/۵۲)	-۰/۸۱	(-۰/۹۸)	
۹/۶۷۷***	-۶/۲۴۹	۷/۳۶۷*	-۹/۸۲۱***	درآمد ناخالص ملی
-۸/۶۷	(-۱/۹۸)	-۲/۱۹	(-۶/۱۸)	
۱۲/۷۸۱***	-۱/۹۰۷	۷/۹۶۷**	-۷/۳۲۹**	حکمرانی
-۲۲/۹۸	(-۰/۷۹)	-۳/۸۷	(-۴/۰۹)	
-۳۸/۱۴۹***	۳۹/۲۵۴*	۴۳/۶۸۷*	۶۸/۴۵۷***	ثابت
بله	بله	بله	بله	کشور*سال
۳۸	۴۲	۱۷	۲۹	مشاهدات
۱۱۸/۵۴۲***	۱۷/۵۴۱***	۱۰۲/۵۴۸***	۲۴/۴۲۱***	آماره F
۰/۹۲۱	۰/۸۲۱	۰/۹۵۴	۰/۹۸۴	ضریب تعیین
۵/۲۱۸	۱۵/۲۵۴	۴/۵۲۷	۶/۲۱۷	میانگین مربع خطاها

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در جدول شماره (۷)، اصطلاح تعامل برای بررسی تأثیر تعدیل‌کننده وجوه قرض‌الحسنه بین امور مالی منطبق با شریعت و توسعه پایدار معرفی شده است. اصطلاح تعامل در سطح ۱ درصد معنادار است و نشان می‌دهد که حضور وجوه قرض‌الحسنه در سبد مالی اقتصاد به کشورها اجازه می‌دهد تا با بهبود نسبت سرشماری خط فقر به سطح بالاتری از توسعه پایدار دست یابند. همان‌طور که از جدول نیز قابل مشاهده است، مدل رگرسیون در سطح ۱ درصد با R2 تعدیل‌شده ۹۵ درصد معنادار است.

جدول ۷. تعدیل تأثیر مالی قرض الحسنه بر توسعه پایدار

(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
۰/۵۴ -۰/۳۶	-۲/۵۴۷ (-۱/۸۴)	-۴/۶۲۷** (-۳/۱۷)	۰/۵۹۸ -۰/۵۳	تطابق با شریعت
-۵/۴۸۷** (-۲/۷۸)	-۰/۴۶۸ (-۰/۳۵)	۱/۲۳۷ -۰/۹۹	۶/۵۰۴** -۳/۴۸	تطابق قرض الحسنه
۶/۸۱۴ -۰/۵	۱۲/۳۲۷ -۰/۵۱	۴۹/۵۲۴*** -۴/۳۲	۴۹/۶۸۷** -۴/۱۹	نسبت کفایت سرمایه
۱۹/۵۱۴ (-۰/۹۵)	۳۶/۲۹۱* -۲/۴۵	-۵۵/۱۸۷*** (-۵/۹۸)	-۷/۰۸۷ (-۰/۳۸)	نقدینگی
-۰/۵۶۸ (-۰/۵۲)	-۰/۵۹۸ (-۰/۶۴)	-۲/۸۴۹*** (-۵/۰۸)	-۱/۳۵۱ (-۱/۹۸)	رشد جی دی پی
۰/۴۲۸ -۰/۴۲	۱/۱۲۸ -۱/۹۷	۰ (-۰/۰۰)	۰/۳۵۹ -۱/۰۲	سرمایه گذاری مستقیم خارجی
-۴/۰۵۷** (-۲/۸۸)	-۰/۳ (-۰/۲۲)	-۱/۰۰۹ (-۱/۴۴)	۱/۰۹۸ -۱/۰۵	ناخالص درآمد ملی
۱/۳۱۹ -۰/۹۸	۱/۰۳۹ -۱/۰۸	-۲/۳۶۹** -۳/۳۹	۲/۴۸۹** -۳/۱۹	حکمرانی
۱۱۷/۶۹۱*** -۵/۹۸	۵۲/۸۷۴** -۲/۸۸	۱۳۹/۹۲۶*** -۱۰/۳۹	-۸/۹۹ (-۰/۴۴)	ثابت
۷۲	۶۹	۴۵	۴۹	مشاهدات
بله	بله	بله	بله	کشور سال
۸/۹۸۲***	۱۱/۶۵۷***	۱۶/۰۱۹***	۲۴/۸۰۹***	آماره f
۰/۵۴۸	۰/۳۵۸	۰/۹۲۳	۰/۹۵۴	ضریب تعیین
۲۳/۶۵۷	۱۸/۵۴۹	۸/۲۱۴	۶/۸۸۷	میانگین مربع خطاها

مأخذ: یافته‌های پژوهش

رگرسیون OLS براساس مدل زیر انجام شده است:

$$SD_{it} = \alpha_{it} + \beta QHF_{it} + \delta SCF * QHF_{it} + \sum_{i=1}^N \varphi Controls_{it} + \varepsilon_{it}$$

اتمام تحصیلات متوسطه، تنوع جنسیتی و استفاده از اینترنت، متغیرهای وابسته مدل‌های رگرسیونی ۱، ۲، ۳ و ۴ هستند. متغیرهای کنترلی نیز شامل رشد تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، درآمد ناخالص ملی و حکمرانی

كشور در هر مدل رگرسيوني مي شوند. علاوه بر اين، متغير تعامل (كشور*سال) براي كنترل اثر ثابت از مدل هاي رگرسيون معرفي شده است كه توضيحات تفصيلي براي هر متغير در جدول شماره ۲ ارائه شده است. آماره و ضريب t گزارش شده در داخل پرانتز، ****، **، * نيز به ترتيب، دلالت بر معني داري در ۱، ۵ و ۱۰ درصد را نشان مي دهند.

۲.۵. آزمون استواري

نتايج آزمون استحكام در جدول شماره ۸ گزارش شده است. نتايج نشان مي دهد كه امور مالي منطبق با شريعت با بهبود تعداد افراد فقير، نقش مثبت و مهمي در توسعه اقتصادي بازي مي كند. متغير وابسته جديد؛ يعني نرخ بيكاري بدين جهت معرفي شده تا از استحكام داده ها اطمينان حاصل شده و همچنين اين كه مي تواند امور مالي مطابق با شريعت و نرخ بيكاري را کاهش دهد. علاوه بر رگرسيون OLS، براي كنترل بومي بودن و اطمينان از قدرت ابزارها از رگرسيون 2SLS نيز استفاده شده است. به علاوه، تأثير سبد دارايي هاي قرض الحسنه در تأمين مالي منطبق با شريعت بررسي شده كه دلالت بر نتايج مشابهي براي نمونه دارد. به نظر مي رسد منابع مالي وجوه قرض الحسنه تأثير مالي مطابق با شريعت را بر توسعه پايدار كه با استفاده از نرخ بيكاري اندازه گيري مي شود، تعديل مي كند؛ بنا بر اين، تأمين مالي منطبق با شريعت متشكل از قرض الحسنه مي تواند تأثير مهم تري در دستيابي به اهداف توسعه پايدار داشته باشد؛ بنا بر اين، مي توان فرضيه $H1$ را پذيرفت.
رگرسيون OLS براساس دو مدل زير انجام شده است:

$$SD_{it} = \alpha_{it} + \beta SCF + \sum_{i=1}^N \varphi Controls_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$SD_{it} = \alpha_{it} + \beta QHF_{it} + SCH * QHF_{it} \sum_{i=1}^N \varphi Controls_{it} + \varepsilon_{it}$$

در جدول شماره ۸، نسبت اتمام تحصيلات متوسطه، تنوع جنسيتي و استفاده از اينترنت، متغيرهاي وابسته مدل هاي رگرسيوني ۱، ۲، ۳ و ۴ هستند. علاوه بر اين، يك متغير وابسته اضافي؛ يعني نرخ بيكاري در مدل براي انجام آزمون هاي استحكام معرفي شده است. متغير مستقل، تأمين مالي شرعي است كه به عنوان لگاريتم

طبیعی تأمین مالی منطبق با شریعت ارائه شده توسط صنعت مالی اسلامی هر کشور نمونه، اندازه‌گیری می‌شود. باین‌حال، پژوهش حاضر در این مدل رگرسیونی، متغیر تعاملی را گنجانده است. مالیه منطبق با شریعت*قرض الحسنه، برای بررسی تأثیر تعدیل مالی وجوه قرض الحسنه بین مالیه منطبق با شریعت و توسعه پایدار معرفی شده است. این مقاله متغیرهای کنترلی، شامل رشد تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، درآمد ناخالص ملی و حکمرانی کشور در هر مدل رگرسیونی را قرار داده است. همچنین آزمون‌های 2SLS به‌عنوان معیاری برای کنترل متغیر بومی انجام شده است تا از استحکام مدل رگرسیونی اطمینان حاصل شود. علاوه بر این، متغیر تعاملی کشور*سال برای کنترل اثرات ثابت ممکن از مدل‌های رگرسیونی معرفی شده است. شرح تفصیلی برای هر متغیر در جدول شماره ۲ ارائه شده است. در نهایت، آماره و ضریب t گزارش شده در داخل پرانتز، ****، **، * نیز به‌ترتیب، دلالت بر معنی‌داری در ۱، ۵ و ۱۰ درصد را نشان می‌دهند.

جدول ۸. آزمون استواری

	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	
تطابق با شریعت	۴/۸۴۹*** -۴/۲۸	۲/۰۸۷ -۱/۶۵	-۱/۹۸۵ (-۱/۵۵)	-۱/۹۵۸ (-۱/۹۹)	-۰/۱۷۹** (-۳/۲۱)	۰/۸۹۴*** -۴/۳۶	۱/۰۶۳*** -۴/۹۶
قرض الحسنه							-۰/۱۲۳ (-۱/۲۸)
تطابق قرض الحسنه							-۰/۳۶۱* (-۲/۴۸)
نسبت کفایت سرمایه	۵۱/۲۹۶*** -۹۹/۵	۷۴/۴۹۸*** -۳/۸	۲۰/۰۸۸ -۰/۸۸	-۴/۴۸۹ (-۰/۳۶)	-۱/۴۵۵ (-۰/۹۷)	-۱/۶۶۵ (-۱/۰۲)	۳/۹۹۹ -۲/۰۸ -۰/۵۵۹ (-۰/۳۲)
نقدینگی	-۱۹/۰۳۶ (-۱/۸۹)	-۳۴/۵۶۱*** (-۳/۴۸)	-۴۷/۳۲۴*** -۳/۵۲	۱۳/۱۵۴ -۰/۷۴	-۶/۱۸۴* (-۲/۶۵)	۶/۵۴۴*** -۳/۵۴	-۸/۲۵۴*** (-۴/۸۶) ۵/۴۲۱*** -۲/۶۱
رشد جی‌دی‌پی	-۱/۰۸۷* (-۲/۵۶)	-۲/۸۴۷*** (-۵/۹۹)	-۰/۴۵۱ (-۰/۵۱)	-۰/۴۵۶ (-۰/۴۱)	-۰/۲۵۴ (-۱/۸۹)	-۰/۱۹۸ (-۱/۷۸)	۰/۰۲۶ -۰/۴۳ -۰/۱۹۸ (-۱/۷۸)
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	-۰/۴۳۲ (-۰/۵۷)	۱/۴۴۵* -۲/۱۸	۱/۵۶۹* -۲/۱۹	۱/۲۲۵ -۱/۳۶	-۰/۳۹۸** (-۲/۷۸)	۰/۰۸ -۰/۸۹	-۰/۰۵۶ -۰/۴۹ -۰/۰۱۹ (-۰/۲۲)
ناخالص درآمد ملی	۰/۱۵۴ -۰/۶۱	۱/۸۱۹** -۲/۶۲	۰/۹۳۹ -۱/۳۵	-۲/۲۶۳ (-۱/۸۹)	۰/۱۷۸ -۰/۹۹	۱/۰۸۹*** -۶/۷۸	۱/۰۳۹*** -۶/۸۸ ۰/۹۶۳*** -۷/۸۸

	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)		
حكمرانی	۱/۹۸۷**	۱/۸۹۷***	۰/۸۹۵	۳/۶۳۳***	-۰/۳۶۵*	۰/۰۹۶	۰/۰۵۹	-۰/۰۵۶
	-۳/۰۵	-۴/۴۵	-۱/۱۲	-۴/۵۶	(-۲/۳۵)	-۰/۹۶	-۰/۵۶	(-۰/۴۹)
ثابت	۱۰/۳۶۲*	۸۲/۵۲۷***	۲۵/۹۲۴***	۸۶/۲۸۵***	-۵/۹۸۱*	-۱۳/۴۷۳***	-۲/۵۴۸*	-۱۳/۲۷۸***
	-۲/۳۸	-۱۰/۳۲	-۳/۵۸	-۵/۶۲	-۱/۹۹	(-۴/۸۵)	(-۲/۶۳)	(-۵/۰۹)
مشاهدات	۴۹	۵۱	۸۲	۶۳	۸۲	۶۵	۳۱	۶۵
كشور* سال	بله	بله	بله	بله	بله	بله	بله	بله
آماره f	۱۳/۴۲***	۱۳/۸۷***	۱۴/۲۱***	۶/۵۹***	۵/۹۸***	۱۴/۵۲۴***	۴۷/۵۴***	۱۶/۵۸***
ضريب تعيين	۰/۸۵۴	۰/۶۲۴	۰/۴۲۹	۰/۴۵۶	۰/۲۶۹	۰/۵۲۹	۰/۹۷۸	۰/۶۳۲
ميانگين مربع خطاها	۵/۶۲۲	۱۰/۱۹	۱۷/۰۸	۲۱/۸۷	۳/۰۶	۳/۰۹	۰/۹۶۵	۲/۰۶۱
آزمون شناسايي كلبيرگن و پاپ	۱۱/۶۲۱	۹/۵۲۱	۱۶/۵۴۱	۱۴/۹۲۵	۱۴/۶۲۵			
مقادير بحراني زير ۱۰٪	خير	خير	خير	خير	خير			

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۳.۵. تجزيه و تحليل داده‌ها

بخش قابل توجهی از تحقیقات گذشته بر بررسی ویژگی خیرخواهانه وجوه قرض الحسنه در جهت ساخت مدل‌های مناسب برای صنعت مالی خرد متمرکز شده است. به تازگی نیز موضوعات پژوهشی به سمت بررسی تأثیرات وجوه قرض الحسنه در توسعه پابدار افزایش پیدا کرده است. فقدان شواهد تجربی مؤید تأثیر منابع مالی قرض الحسنه بر توسعه پابدار، منجر به انجام پژوهش حاضر شده است. مقاله حاضر با ایجاد یک پانل نامتوازن از بیست و پنج کشور بر ارائه شواهد جهانی در این زمینه متمرکز شده است.

نتایج این پژوهش، استدلال نظری حسین^۱ (۲۰۱۹) را تأیید می‌کند که تأمین مالی بدون بهره می‌تواند تأثیر ارزشمندی بر تأمین مالی توسعه داشته باشد. تأثیر مثبت مالی وجوه قرض الحسنه بر فقر و اشتغال، راه را برای پیشنهاد وجوه قرض الحسنه به عنوان جایگزینی برای طرح‌های اعتبار خرد مرسوم، همانطور که

1. Hossain

خان^۱ (۲۰۱۹) پیشنهاد کرده است، هموار می‌کند. سلیم و حسن^۲ (۲۰۱۹) استدلال می‌کنند که سیاست پولی بدون بهره تأثیر عمیقی در کاهش تورم و نرخ بیکاری دارد. مقاله حاضر بحث سیاست پولی بدون بهره را با تمرکز بر یکی از وسایل تأمین مالی بدون بهره (قرض الحسنه) که در کشورهای مسلمان ارائه می‌شود، گسترش داده و یافته‌های سلیم و حسن (۲۰۱۹) را تأیید می‌کند. در حالی که سیاست پولی بدون بهره را می‌توان هم در نظام اقتصاد اسلامی و هم در نظام اقتصاد متعارف اجرا کرد، عبیدالله و خان^۳ (۲۰۰۸) در مقایسه این دو سیستم، به مسائل ناهمگونی و پیچیدگی اشاره کرده‌اند. مطالعه حاضر، تحت تأثیر مسائل ناهمگونی قرار نمی‌گیرد؛ چراکه این مقاله بر امور مالی قرض الحسنه و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی کشورهای در حال ظهور با جمعیت اکثریت مسلمان تمرکز دارد.

۶. نتیجه‌گیری و دلالت‌های سیاستی

قرض الحسنه به‌عنوان وامی شناخته می‌شود که دارای پتانسیل ادغام‌شدن در سیاست پولی دارد و حداکثر اثرات ممکن را بر مخارج کل در اقتصاد ایجاد خواهد کرد. شواهد تجربی ارائه‌شده در این مطالعه از جهات مختلفی به ادبیات مالی اسلامی کمک می‌کند. اول، پژوهش حاضر نتایج قابل‌تعمیمی را ارائه می‌دهد که تأیید می‌کند کشورهای تأمین‌کننده مالی وجوه قرض الحسنه دارای سطح بالاتری از رشد اقتصادی هستند. چنین یافته‌هایی مکمل تأثیر کلی صنعت مالی اسلامی بر توسعه اقتصادی است. دوم، شواهد تجربی ارائه‌شده از طریق تجزیه و تحلیل پژوهش‌های متنوع در زمینه موضوع مقاله نشان می‌دهد منابع مالی قرض الحسنه نقش مهمی در توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته دارند. چنین یافته‌هایی به سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان صنعت مالی اسلامی این امکان را می‌دهد تا نیاز به توسعه سیاست‌هایی که تأمین مالی وجوه قرض الحسنه را ترویج می‌کند، درک کنند.

مطالعات آینده برای بررسی نقش منابع مالی قرض الحسنه در یک سیستم بانکی دوگانه و توسعه مکانیسم‌های منطبق با شریعت برای نیازمندان، مورد نیاز است.

1. Khan

2. Selim & Hassan

3. Obaidullah & Khan

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که سیاست پولی بدون بهره می‌تواند سهم قابل توجهی در توسعه اقتصادی کشورهای مسلمان داشته باشد؛ بنابراین، به سیاست‌گذاران اقتصادی کشور توصیه می‌شود که سیستم اقتصادی مبتنی بر وجوه قرض الحسنه را به‌عنوان جایگزینی برای سیستم مبتنی بر بهره مرسوم ترویج کنند. مؤسسات مالی اسلامی نیز برای جلوگیری از فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر مضاربه، به‌شدت به منابع مالی کم‌ریسک مراحه متکی هستند؛ در این ارتباط به مؤسسات مالی اسلامی توصیه می‌شود که از تأمین مالی مبتنی بر قرض الحسنه برای دسترسی لازم به کارآفرینان کوچک و متوسط استفاده کنند؛ چراکه می‌تواند منجر به خوداشتغالی و تأثیر مثبت در توسعه پایدار اقتصاد شود.

منابع

قرآن کریم

- Abel, G. J., Barakat, B., Kc, S., & Lutz, W. (2016). Meeting the Sustainable Development Goals leads to lower world population growth. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 113(50), 14294-14299. <https://doi.org/10.1073/pnas.1611386113>
- Aburounia, H., & Sexton, M. (2006). Islam and sustainable development. *Research Institute for Built and Human Environment, University of Salford*. Retrieved from <http://drhamida.com/hameda/uploads/29fe0106-e233-d49f.pdf>.
- Ahmadi, M. (2016). Sustainable development-Islamic perspectives. In *1st International Conference on Rethinking the Sustainable Development. Tabriz: Iran Earth Charter*.
- Ahmed, H. (2011). Maqasid al-Shari'ah and Islamic financial products: a framework for assessment. *ISRA International journal of Islamic finance*, 3(1). <https://durham-repository.worktribe.com/output/1505646>
- Ahmed, H., Mohieldin, M., Verbeek, J., & Aboulmagd, F. (2015). On the sustainable development goals and the role of Islamic finance. *World Bank Policy Research Working Paper*, (7266). <https://doi.org/10.1596/1813-9450-7266>
- Al-Jayyousi, O. R. (2016). *Islam and sustainable development: New worldviews*. Gower. <https://doi.org/10.4324/9781315589947>
- Al-Jayyousi, O., Tok, E., Saniff, S. M., Wan Hasan, W. N., Janahi, N. A., & Yesuf, A. J. (2022). Re-thinking sustainable development within Islamic worldviews: a systematic literature review. *Sustainability*, 14(12), 7300. <https://doi.org/10.3390/su14127300>
- Allen, R. P. (2001). *The wellbeing of nations: A Country-by-Country Index of Quality of Life and the Environment*. Island Press.
- Alvarado-Herrera, A., Bigne, E., Aldas-Manzano, J., & Curras-Perez, R. (2017). A scale for measuring consumer perceptions of corporate social responsibility following the

- sustainable development paradigm. *Journal of Business Ethics*, 140, 243-262. <https://doi.org/10.1007/s10551-015-2654-9>
- Ansari, A. H., Jamal, P., & Oseni, U. A. (2012). Sustainable development: Islamic dimension with special reference to conservation of the environment. *Advances in Natural and Applied Sciences*, 6(5), 607-620.
- Ansari, M. I. (1994). Islamic perspectives on sustainable development. *American Journal of Islam and Society*, 11(3), 394-402. <https://doi.org/10.35632/ajis.v11i3.2417>
- Asutay, M., & Zaman, N. (2009). Divergence between aspirations and realities of Islamic economics: A political economy approach to bridging the divide. *IJUM Journal of Economics and Management*, 17(1), 73-96.
- Aydin, N. (2015). Islamic social business for sustainable development and subjective wellbeing. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 8(4), 491-507. <https://doi.org/10.1108/IMEFM-09-2014-0097>
- Barbier, E. B., & Burgess, J. C. (2017). The Sustainable Development Goals and the systems approach to sustainability. *Economics*, 11(1), 20170028. <https://doi.org/10.5018/economics-ejournal.ja.2017-28>
- Bensaid, B. (2013). On Islamic da 'wah and sustainable development. *World Journal of Islamic history and civilization*, 3(2), 48-56. DOI: 10.5829/idosi.wjihc.2013.3.2.3201
- Berke, P. R., & Conroy, M. M. (2000). Are we planning for sustainable development? An evaluation of 30 comprehensive plans. *Journal of the American planning association*, 66(1), 21-33. <https://doi.org/10.1080/01944360008976081>
- Bertazzi, P. A. (1991). Long-term effects of chemical disasters. Lessons and results from Seveso. *Science of the total environment*, 106(1-2), 5-20. [https://doi.org/10.1016/0048-9697\(91\)90016-8](https://doi.org/10.1016/0048-9697(91)90016-8)
- Bettencourt, L. M., & Kaur, J. (2011). Evolution and structure of sustainability science. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 108(49), 19540-19545. <https://doi.org/10.1073/pnas.1102712108>
- Blewett, J. (1993). The Universe Story: From the Primordial Flaring Forth to the Ecozoic Era-A Celebration of the Unfolding of the Cosmos. *National Catholic Reporter*, 29(14), 28-29.
- Calthorpe, P. (Ed.). (1991). *Sustainable Communities: A new design synthesis for cities, suburbs, and towns*. Sierra Club Books.
- Carson, R. (1962). *Silent spring III*. New Yorker, 23.
- Chong, B. S., & Liu, M. H. (2009). Islamic banking: interest-free or interest-based? *Pacific-Basin finance journal*, 17(1), 125-144. <https://doi.org/10.1016/j.pacfin.2007.12.003>
- Costanza, R., d'Arge, R., De Groot, R., Farber, S., Grasso, M., Hannon, B., ... & Van Den Belt, M. (1997). The value of the world's ecosystem services and natural capital. *nature*, 387(6630), 253-260. <https://doi.org/10.1038/387253a0>
- Dariah, A. R., Salleh, M. S., & Shafiai, H. M. (2016). A new approach for sustainable development goals in Islamic perspective. *Procedia-social and behavioral sciences*, 219, 159-166. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.05.001>

- Davies, S. (1992). Green conditionality and food security: winners and losers from the greening of aid. *Journal of International Development*, 4(2), 151-165. <https://doi.org/10.1002/jid.3380040205>
- Deng, H. (2015). Multicriteria analysis for benchmarking sustainability development. *Benchmarking*, 22(5), 791-807. <https://doi.org/10.1108/BIJ-07-2013-0072>
- Diallo, A. T., & Gundogdu, A. S. (2021). *Sustainable development and infrastructure: An Islamic finance perspective*. Palgrave Macmillan. <https://doi.org/10.1007/978-3-030-67094-8>
- Dusuki, A. W. (2008). What does Islam say about corporate social responsibility? *Review of Islamic economics*, 12(1), 5-28.
- Gheeraert, L., & Weill, L. (2015). Does Islamic banking development favor macroeconomic efficiency? Evidence on the Islamic finance-growth nexus. *Economic modelling*, 47, 32-39. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2015.02.012>
- Goodland, R. (1995). The concept of environmental sustainability. *Annual review of ecology and systematics*, 1-24. <https://doi.org/10.1146/annurev.ecolsys.26.1.1>
- Gore, C. (2015). The post-2015 moment: Towards Sustainable Development Goals and a new global development paradigm. *Journal of International Development*, 27(6), 717-732. <https://doi.org/10.1002/jid.3109>
- Gow, D. D. (1992). Poverty and natural resources: Principles for environmental management and sustainable development. *Environmental impact assessment review*, 12(1-2), 49-65. [https://doi.org/10.1016/0195-9255\(92\)90005-i](https://doi.org/10.1016/0195-9255(92)90005-i)
- Gulzar, A., Islam, T., Hamid, M., & Haq, S. M. (2021). Environmental ethics towards the sustainable development in Islamic perspective: A Brief Review. *Ethnobotany Research and Applications*, 22, 1-10. <https://doi.org/10.32859/era.22.39.1-10>
- Gundogdu, A. S. (2018). An inquiry into Islamic finance from the perspective of sustainable development goals. *European Journal of Sustainable Development*, 7(4), 381-381. <https://doi.org/10.14207/ejsd.2018.v7n4p381>
- Gutman, P. (2003). What did WSSD accomplish? An NGO perspective. *Environment: Science and Policy for Sustainable Development*, 45(2), 20-28. <https://doi.org/10.1080/00139150309604527>
- Harada, M. (1995). Minamata disease: methylmercury poisoning in Japan caused by environmental pollution. *Critical reviews in toxicology*, 25(1), 1-24. <https://doi.org/10.3109/10408449509089885>
- Harahap, B., Risfandy, T., & Futri, I. N. (2023). Islamic law, Islamic finance, and sustainable development goals: A systematic literature review. *Sustainability*, 15(8), 6626. <https://doi.org/10.3390/su15086626>
- Hasan, Z. (2006). Sustainable development from an Islamic perspective: Meaning, implications, and policy concerns. *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, 19(1). <https://doi.org/10.4197/islec.19-1.1>
- Hassan, A. (2016). Islamic ethical responsibilities for business and sustainable development. *Humanomics*, 32(1), 80-94. <https://doi.org/10.1108/H-07-2015-0047>

- Hassan, M. K., Saraç, M., & Khan, A. (2021). *Islamic finance and sustainable development*. Berlin/Heidelberg: Springer International Publishing. <https://doi.org/10.1007/978-3-030-76016-8>
- Hassan, R., Hassan, M. K., & Rashid, M. (2021). Qard Hasan (Interest-Free Loan) as a Tool for Sustainable Development—Global Evidence. *Islamic Finance and Sustainable Development: A Sustainable Economic Framework for Muslim and Non-Muslim Countries*, 307-330. https://doi.org/10.1007/978-3-030-76016-8_13
- Hicks, R. L., Parks, B. C., Roberts, J. T., & Tierney, M. J. (2008). *Greening aid? Understanding the environmental impact of development assistance*. OUP Oxford.
- Hidayat, S. E., Izharivan, Y., & Sari, C. A. (2021). Islamic finance and sustainable economy: A new model of islamic financial ecosystem. *Islamic Finance and Sustainable Development: A Sustainable Economic Framework for Muslim and Non-Muslim Countries*, 265-284. https://doi.org/10.1007/978-3-030-76016-8_11
- Horner, R. (2020). Towards a new paradigm of global development? Beyond the limits of international development. *Progress in Human Geography*, 44(3), 415-436. <https://doi.org/10.1177/0309132519836158>
- Horner, R., & Hulme, D. (2019). From international to global development: New geographies of 21st century development. *Development and Change*, 50(2), 347-378. <https://doi.org/10.1111/dech.12379>
- Hossain, M. M. (2019). Achieving Sustainable Development Goals: Poverty Alleviation from an Islamic perspective. In *International Conference on Religion, Governance and Sustainable Development (ICRGD2019)*. Kuala Lumpur, October (pp. 16-17).
- Ismail, A. G., & Shaikh, S. A. (2017). Role of Islamic economics and finance in sustainable development goals. *Islamic Economic Studies and Thought Centre Working Paper Series*. <https://doi.org/10.13140/RG.2.14806.09288>.
- Jung, C., & Ryu, J. E. (2017). Why has US monetary policy become ineffective lately? *Applied Economics Letters*, 24(13), 956-960. <https://doi.org/10.1080/13504851.2016.1243205>
- Kamali, M. H. (2016). Islam and sustainable development. *ICR Journal*, 7(1), 8-26. <https://doi.org/10.52282/icr.v7i1.281>
- Khan, F., & Haneef, M. A. (2022). Religious responses to sustainable development goals: An Islamic perspective. *Journal of Islamic Monetary Economics and Finance*, 8(2), 161-180. <https://doi.org/10.21098/jimf.v8i2.1453>
- Khan, T. (2019). Reforming Islamic finance for achieving sustainable development goals. *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, 32(1). <https://doi.org/10.4197/islec.32-1.1>
- Marsuki, M. Z. (2009). Religious agendas towards sustainable development: An Islamic perspective. *Malaysian Journal of Science and Technology Studies*, 7, 22-38.
- Meadows, D. H., Randers, J., & Meadows, D. L. (2013). *The limits to growth (1972)*. In *The future of nature* (pp. 101-116). Yale University Press. <https://doi.org/10.12987/9780300188479-012>

- Mebratu, D. (1998). Sustainability and sustainable development: historical and conceptual review. *Environmental impact assessment review*, 18(6), 493-520. [https://doi.org/10.1016/S0195-9255\(98\)00019-5](https://doi.org/10.1016/S0195-9255(98)00019-5)
- Mitlin, D. (1992). Sustainable development: A guide to the literature. *Environment and urbanization*, 4(1), 111-124. <https://doi.org/10.1177/095624789200400112>
- Moldan, B., Billharz, S., & Matravers, R. (1997). Sustainability indicators. A report on the Project on Indicators of Sustainable Development.
- Muehlebach, A. (2001). " Making place" at the United Nations: indigenous cultural politics at the UN working group on indigenous populations. *Cultural anthropology*, 16(3), 415-448. <https://doi.org/10.1525/can.2001.16.3.415>
- Mukhtar, S., Zainol, Z. A., & Jusoh, S. (2018). Islamic law and sustainable development goals. *Tazkia Islamic Finance and Business Review*, 12(1). <https://doi.org/10.30993/tifbr.v12i1.124>
- Obaidullah, M., & Khan, T. (2008). Islamic microfinance development: Challenges and initiatives. *Islamic Research & Training institute Policy Dialogue Paper*, (2). <https://doi.org/10.2139/ssrn.1506073>
- Obaidullah, M., & Latiff, H. S. H. A. (Eds.). (2011). *Islamic finance for micro and medium enterprises*. Islamic Research and Training Institute, a member of the Islamic Development Bank Group.
- Olawumi, T. O., & Chan, D. W. (2018). A scientometric review of global research on sustainability and sustainable development. *Journal of cleaner production*, 183, 231-250. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2018.02.162>
- Qizilbash, M. (2001). Sustainable development: Concepts and rankings. *Journal of Development Studies*, 37(3), 134-161. <https://doi.org/10.1080/00220380412331322001>
- Redclift, M. (1993). Sustainable development: concepts, contradictions, and conflicts, 169-192.
- Redclift, M. (2002). *Sustainable development: Exploring the contradictions*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203408889>
- Sabrina, R. (2020). Environmental and Sustainable Development in Islamic Perspective. *Budapest Int. Res. Critics Inst. Humanit. Soc. Sci*, 3(4), 2975-2985. <https://doi.org/10.58471/scientia.v13i01.2144>
- Salahuddin, M., Alam, K., & Ozturk, I. (2016). Is rapid growth in Internet usage environmentally sustainable for Australia? An empirical investigation. *Environmental Science and Pollution Research*, 23, 4700-4713. <https://doi.org/10.1007/s11356-015-5689-7>
- Sartori, S., Latrónico, F., & Campos, L. (2014). Sustainability and sustainable development: a taxonomy in the field of literature. *Ambiente & sociedade*, 17, 01-22. <https://doi.org/10.1590/1809-44220003490>
- Schnoor, J. (2002). Peer Reviewed: Examining the World Summit on Sustainable Development. <https://doi.org/10.1021/es0224611>

- Selim, M. (2019). The effectiveness of Qard-al-Hasan (interest free loan) as a tool of monetary policy. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 12(1), 130-151. <https://doi.org/10.1108/IMEFM-07-2017-0187>
- Selim, M., & Hassan, M. K. (2019). Interest-free monetary policy and its impact on inflation and unemployment rates. *ISRA International Journal of Islamic Finance*, 11(1), 46-61. <https://doi.org/10.1108/IJIF-06-2018-0065>
- Siddiqi, M. N. (2004). *Riba, bank interest and the rationale of its prohibition*. Jeddah: Islamic Research and Training Institute.
- Solow, R. (2014). An almost practical step toward sustainability. In *An Almost Practical Step Toward Sustainability* (pp. 5-22). RFF Press. <https://doi.org/10.4324/9781315060736>
- Speth, J. G. (2003). Perspectives on the Johannesburg Summit. *Environment: Science and Policy for Sustainable Development*, 45(1), 24-29. <https://doi.org/10.1080/00139150309604520>
- Stymne, S., & Jackson, T. (2000). Intra-generational equity and sustainable welfare: a time series analysis for the UK and Sweden. *Ecological Economics*, 33(2), 219-236. [https://doi.org/10.1016/S0921-8009\(99\)00144-5](https://doi.org/10.1016/S0921-8009(99)00144-5)
- Sumedrea, S. (2016). Gender diversity and firm performance in seeking for sustainable development. *Bulletin of the Transilvania University of Brasov. Series V: Economic Sciences*, 369-384.
- Thayer, R. L. (1994). *Gray world, green heart: technology, nature, and the sustainable landscape* (Vol. 1). New York: Wiley. <https://doi.org/10.1017/s0889189300006731>
- Villanueva, C. (1997). Community development and the futures of sustainable communities in the Philippines. *Sustainable global community in the information age: Vision from future studies. Praeger Studies on the 21st Century: Praeger, CT*.
- WCED, S. W. S. (1987). World commission on environment and development. *Our common future*, 17(1), 1-91.
- Zakir Hossain, M. (2009). Why is interest prohibited in Islam? A statistical justification. *Humanomics*, 25(4), 241-253. <https://doi.org/10.1108/08288660910997610>
- Zhu, J., & Hua, W. (2017). Visualizing the knowledge domain of sustainable development research between 1987 and 2015: A bibliometric analysis. *Scientometrics*, 110(2), 893-914. <https://doi.org/10.1007/s11192-016-2187-8>

The Role of Credit in Supporting Startups and Enhancing Sustainable Development: An Empirical Study of 25 Countries

Saeed Mohammadbeigi*

Received: 12 September 2024 Accepted: 5 January 2025 Vol.5, No.20, Winter 2025

Abstract

Businesses face numerous financial challenges, especially if they want to adhere to ethical and Sharia-compliant principles in their financing. In this regard, the present study examines the methods and opportunities for using Qard-ul-Hasanah funds as a strategic tool to support businesses and sustainable development in start-ups and early-stage companies, and ultimately others in need of these funds. Using the concept of Qard-ul-Hasanah, which emphasizes social solidarity and economic justice in Islam, this study proposes a conceptual framework for increasing entrepreneurial resilience and sustainable business practices among start-ups. The final sample of the study includes twenty-five countries, covering the years 2013 to 2022. However, data for some countries were not available for all selected years, and therefore the study was constructed from an unbalanced panel data set with 226 observations. The findings of this study show that countries providing Qarz-ul-Hasanah funds have a higher level of economic growth than other countries. In addition, Qarz-ul-Hasanah funds have been able to have positive effects on the main indicators of sustainable development, including: poverty line ratio, secondary education completion, gender diversity and internet use, which indicates the high potential of Qarz-ul-Hasanah in strengthening sustainable development.

Keywords: Qarz-ul-Hasanah, Sustainable Development, Banking, MENA countries, Islamic Finance

Jel Classification: G21, O10, L26, Q56

* PhD student in Islamic Economic Philosophy, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran
Email: beigi.1992@gmail.com